

# یاسین کا مضمون

قنبر علی صمدی

پروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### چکیده

در مقاله قبلی تحت عنوان «نقش مردم در تعجیل ظهور»، تأثیر نقش‌آفرینی مردم و روی‌کردهای بشری در بسترسازی و تحقق وعده ظهور، مورد بررسی قرار گرفت. در این قسمت به تبیین و بررسی ضرورت‌ها، عوامل و بایسته‌های تحقق ظهور، به منظور شناخت تکالیف عصر انتظار خواهیم پرداخت در این راستا، توجه به الزامات و راهبردهای تحقق ظهور، مهم‌ترین و میرم‌ترین نیازی است که سزاوار است در عرصه پژوهش‌های مهدوی، مورد اهتمام جدی قرار گیرد.

در این نوشتار، نگارنده سعی نموده است مهم‌ترین بایسته‌های اعتقادی و عملی انتظار ظهور و لزوم فراهم‌سازی زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حرکت به سوی تحقق این ایده الهی و نجات‌بخش را مورد توجه قرار دهد.

### واژگان کلیدی

ظهور، تعجیل، بایسته‌ها، امام عصر علیه السلام، معرفت، زمینه‌سازی، آمادگی.

## مقدمه

یکی از مسائل مهم و کاربردی دربارۀ مهدویت و انتظار ظهور، شناخت ضرورت‌ها و بایسته‌های تحقق ظهور است. تشدید حالت انتظار، ایجاد آمادگی و به کارگیری عوامل زمینه‌ساز، برای شتاب بخشیدن به فرآیند ظهور و تحقق وعده الهی از بایسته‌های ظهور به شمار می‌روند. هم‌چنان که انتظار چیزی کشیدن، بدون توجه و آمادگی امکان نمی‌پذیرد، شتاب کردن برای رسیدن به آن چیز نیز بی‌آمادگی، تلاش و تکاپوی دو چندان امکان‌پذیر نباشد.

این مقاله به بررسی زمینه‌ها و عوامل فکری، اعتقادی یا عملی و رفتاری مؤثر در تحقق ظهور و تعجیل در آن می‌پردازد. این بحث بر اصل «فرآیند پذیری پدیده ظهور»<sup>۱</sup> یعنی تأثیرگذاری انسان در سرعت بخشی به ظهور و ایجاد زمینه‌های آن و ارتباطش با اوضاع و روی کردهای گوناگون جامعه بشری استوار است.

در این زمینه، ضرورت‌ها، اولویت‌ها و بایسته‌های فراوانی در قالب وظیفه‌های فردی و اجتماعی و دستورالعمل‌های عصر انتظار طرح‌شدنی است. این نوشتار، مهم‌ترین بایسته‌ها و تکلیف‌های اعتقادی و عملی این دوره را تبیین می‌کند.

## معرفت امام عصر عجل الله فرجه

بایستگی «معرفت»، یعنی شناخت امام و اوصاف او کلیدی‌ترین عنصر بایسته‌های اعتقادی است که بسیاری از مباحث مهدویت بر پایه آن استوار است؛ زیرا بایسته‌های عملی نیز از بایستگی اعتقادی معرفت، سرچشمه می‌گیرند و آن چه در حوزه بایسته‌های عملی طرح‌شدنی است، از آثار و لوازم این بایستگی به شمار می‌رود. شناخت امام عصر عجل الله فرجه و شناساندن جایگاه او، تعریف و تعیین‌کننده حقوق امام و مردم و بنیاد همه تکلیف‌ها و بایسته‌های عملی است. معرفت تنها به معنای شناخت شناس‌نامه‌ای امام، یعنی دانستن اسم و نسب و ویژگی‌های ظاهری او نیست، بلکه ایمان و اعتقاد قلبی مردم به مقام الهی امام عصر عجل الله فرجه و توجه آنان به جایگاه بلند دینی، سیاسی و اجتماعی او در عصر حاضر مقصود است. اندیشه انتظار ظهور بر پایه چنین شناخت و معرفتی قرار دارد و بدون آن حرکت کردن در جاده انتظار، ممکن نیست.

از این رو، ضرورت، مؤلفه‌ها و آثار آن باید بررسی شود.

## ضرورت معرفت

عنصر شناخت امام عصر عجل الله فرجه و اعتقاد قلبی به امامت او در فرهنگ دینی، چنان مهم و کلیدی است که احادیث متواتری، بود و نبود آن را معیار ایمان و کفر برشمرده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

من مات و لم يعرف إمام زمانه مات میتة الجاهلیة؛<sup>۲</sup>

معرفت تنها به معنای شناخت شناس‌نامه‌ای امام، یعنی دانستن اسم و نسب و ویژگی‌های ظاهری او نیست، بلکه ایمان و اعتقاد قلبی مردم به مقام الهی امام عصر عجل الله فرجه و توجه آنان به جایگاه بلند دینی، سیاسی و اجتماعی او در عصر حاضر مقصود است. اندیشه انتظار ظهور بر پایه چنین شناخت و معرفتی قرار دارد و بدون آن حرکت کردن در جاده انتظار، ممکن نیست.

هرکس بمیرد در حالی که امام زمانش را شناسد، به مرگ جاهلی و بی‌دینی مرده است.

این حدیث، با عبارتهای گوناگونی به طور مستفیض در منابع حدیثی فریقین (شیعه و سنی)، آمده است:

من مات بغير إمام مائة جاهلية.<sup>۲</sup>

من مات و ليس في عقبه بيعة مائة مائة جاهلية.<sup>۳</sup>

من مات و ليس عليه إمام حتى يعرفه، مات مائة جاهلية.<sup>۴</sup>

من مات ولم يعرف إمام زمانه...<sup>۵</sup>

همه اینها اهمیت کلیدی معرفت امام و حجت زنده الهی را در هر زمان نشان می‌دهد، به گونه‌ای که نشناختن او با بی‌دینی و مردن به مرگ جاهلیت، برابر است و حتی اندکی کوتاهی در آن پذیرفته نیست.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

لا يعذر الناس حتى يعرفوا إمامهم؛<sup>۶</sup>

مردم هیچ‌کدام در مورد شناخت امام و حجت عصر، معاف و معذور نمی‌باشند.

امام صادق علیه السلام نیز به یحیی، می‌فرماید:

بإحیی من بات ليلة لا يعرف فيه إمام زمانه مات مائة جاهلية؛<sup>۷</sup>

هرکس حتی یک شب بدون معرفت امام زمانش بخوابد، به مرگ جاهلیت مرده است.

در این کلام حضرت، تعبیر «مات» وجود ندارد و ایشان به طور مطلق فرموده و آن را ویژه مردن در آن شب ندانسته است. این دو و احادیث مشابه آن، گویای اهمیت فراوان مسئله معرفت امام در هر عصری است.

راز تأکید این روایتهای بر لزوم معرفت امام و حجت حی، در پیوند مسئله امامت با نبوت و توحید نهفته است. امام در فرهنگ اعتقادی شیعه، همانند پیامبر مسئولیت هدایت و دین‌ورزی مردم را برعهده دارد. از این‌رو، امام صادق علیه السلام به زراره دعایی آموخت تا شناخت خالق، پیامبر و حجت او را از خداوند بخواهد. امام در آن دعا، کلید معرفت خدا و پیامبر را معرفت حجت یعنی امام

عصر علیه السلام دانسته است.

آن حضرت در جای دیگری به زراره سفارش می‌کند که در صورت درک زمان غیبت قائم، پیوسته بخواند:

اللهم عرفني حجتك فإنك إن لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني؛<sup>۸</sup>

خدایا حجتت را به من بشناسان، اگر معرفت حجتت را به من ندهی، گمراه خواهم شد. [و بدون امام و راهبر، بی‌راهه خواهم رفت؛ چون او مایه هدایت و بقای دیانت و ایمان است.]

### مؤلفه‌های معرفت

معرفت شخص امام، مقام و اوصاف و ویژگی‌های او، سه عنصر مهم «معرفت امام» در اندیشه کلامی شیعه به شمار می‌رود.

#### الف) معرفت به شخص امام

دانستن زمان تولد و اسم و نسب امام، یعنی این که ایشان فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله است و نیز اعتقاد به این که هم‌اکنون زنده است و به دلیل مصلحتی الهی در پس پرده غیبت به سر می‌برد، معرفت شخص امام را در پی می‌آورد. ویژگی‌های شخصی آن حضرت، در برخی از روایتهای آمده است.

ابوذر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

الأئمة من بعدی اثناعشر، تسعة من صلب الحسين تاسعهم قائمهم. ثم قال: ألا إن مثلهم فيكم مثل سفينة نوح من ركبها نجي و من تخلف عنها هلك؛<sup>۹</sup>

امامان بعد از من دوازده نفرند، نه نفر آنان از نسل حسینند که نهمین آنان قائم آنان است. آگاه باشید که داستان بودن آنان در میان شما همانند داستان کشتی نوح است. هرکس به آن کشتی متمسک شود، نجات می‌یابد و هر که از آن فاصله گیرد، هلاک می‌شود.

روایتهای دیگری نیز مانند روایت زیر بر ضرورت اعتقاد به امامت ائمه علیهم السلام و شناخت تک‌تک آنان، بویژه امام عصر علیه السلام تأکید کرده‌اند:

إِنَّ الْأُمَّةَ مِنْ بَعْدِي إِثْنِي عَشْرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، عَلِيُّ أَوْلَاهُمْ وَأَوْسَطُهُمْ مُحَمَّدٌ وَآخِرُهُمْ مُحَمَّدٌ وَ مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ الَّتِي سَيَصْلِي خَلْفَهُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ؛<sup>۱۱</sup>  
 امامان پس از من دوازده نفر از اهل بیت من هستند. اولی آنها علی و وسطی ایشان محمد و آخرینشان محمد است و او مهدی علیه السلام این امت است؛ کسی که عیسی بن مریم پشت سرش نماز گذارد.

### ب) معرفت به مقام امام

معرفت مقام امام به معنای اعتقاد به الهی بودن منصب امامت و شناخت جایگاه امام و خلیفه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله است. اعتقاد به انتصابی بودن منصب امامت و نابشری بودن آن مقام، از کلیدی ترین مباحث کلامی شیعه درباره امامت خاصه، شمرده می شود. امامت و امام شناسی، موضوعی کلامی و از مهم ترین اصول اعتقادی دین و شالوده اندیشه شیعه است و از فروع دین یا مسئله ای فقهی به شمار نمی رود. دلایل این سخن در بحث از امامت خاصه آمده است.

### ج) معرفت اوصاف امام

امام عصر علیه السلام از مقام عصمت، امامت و ولایت، علم لدنی و غیبی و دیگر ویژگی های شخصیتی برخوردار است. شناخت این اوصاف و اعتقاد قلبی به آنان معرفت اوصاف امام را به دنبال می آورد. دلایل وجود این ویژگی ها در امام<sup>۱۲</sup> نیز در جای خود آمده است.

### نصاب معرفت امام

شناخت امام و شئون تکوینی و تشریحی مقام امامت، با توجه به اندازه فهم و درک افراد، مراتب گوناگونی دارد، یعنی هرکسی به فراخور تلاش و استعداد عقلی اش به درجه خاصی از معرفت دست می یابد. پایین ترین میزان معرفت به امام، که در آن صورت نبود معرفت، با جاهلیت و بی دینی برابری خواهد کرد، چه اندازه است؟  
 امام صادق علیه السلام هم سنگ دانستن امام را با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حداقل معرفت به امام دانسته است:

أَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عَدْلُ النَّبِيِّ إِلَّا دَرَجَةَ النَّبُوَّةِ وَوَارِثَهُ وَ أَنْ طَاعَتَهُ طَاعَةَ اللَّهِ وَطَاعَةَ رَسُولِ اللَّهِ وَالتَّسْلِيمَ لَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَ الرَّدَّ إِلَيْهِ وَ الْأَخْذَ بِقَوْلِهِ وَ يَعْلَمُ أَنَّ الْإِمَامَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله،  
 علی بن ابی طالب و بعده الحسن ثمّ الحسین... وَ الْحِجَّةَ مِنْ وَلَدِ الْحَسَنِ؛<sup>۱۳</sup>

کم ترین درجه معرفت امام، اعتقاد به هم وزن و هم شأن بودن امام با پیامبر است، مگر در شأن و مرتبه نبوت که از این نظر، امام وارث پیامبر است و اطاعت او اطاعت خدا و پیامبر خدا، فرمان بری از او، و اگذاری امور به او، عمل به گفته های او و اعتقاد به این موضوع که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب و بعد از او حسن و حسین تا حضرت حجت، جانشینان پیامبر و پیشوایان مسلمینند که خداوند آنان را بدین منصب

راز تأکید این روایت ها بر لزوم معرفت امام و حجت حی در پیوند مسئله امامت با نبوت و توحید نهفته است. امام در فرهنگ اعتقادی شیعه، همانند پیامبر مسئولیت هدایت و دین ورزی مردم را بر عهده دارد. از این رو، امام صادق علیه السلام به زراره دعایی آموخت تا شناخت خالق، پیامبر و حجت او را از خداوند بخواهد. امام در آن دعا، کلید معرفت خدا و پیامبر را معرفت حجت یعنی امام عصر علیه السلام دانسته است.

برگزیده است.

بنابراین کلام امام صادق علیه السلام، پایین ترین درجه معرفت امام، هم وزن دانستن امام با پیامبر در همه شئون ولایی به جز نبوت است. و راه به دست آوردن معرفت تنها در دیدگاه کلامی امامیه است؛ زیرا تنها شیعیانند که خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله را دوازده امام معصوم علیهم السلام می دانند و خاستگاه امامت و خلافت واقعی، فقط در بینش کلامی آنان وجود دارد.

البته باید توجه داشت که به دلیل عمق و گستردگی ابعاد مقام امامت، درک حقیقت و ژرفای شخصیت امام برای افراد عادی، ناممکن است.

امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

فمن ذا الذی یبلغ معرفت الإمام أو یمكنه اختیاره هیئات هیئات! صلت العقول و تاهت الحلوم و حارت الالباب و خستت العیون و تصاغرت العظما و تحیرت الحکماء و... عن وصف شأن من شأنه أو فضیلة من فضائله؛<sup>۱۴</sup>

چگونه ممکن است اندیشه و فهم مردم، حقیقت مقام امام را درک کند تا بتوانند امام را اختیار نمایند؟ عقل ها و اندیشه ها هرگز به عمق آن دست نیابند، صاحبان خرد از درک آن همواره حیران باشند، نوابغ و تیزهوشان پیوسته از دیدن آن چشم فرو بندند و بزرگان و دانش مندان پیاپی از بیان حتی یکی از صفات آن و یکی از فضایل آن، درمانند.

بنابراین، به دلیل گنجایی نداشتن فهم و خرد بشر و ناتوانی علمی او انتظار تحقق شناخت و معرفت حقیقت مقام امام علیه السلام نامعقول است. و لذا کسی بدان مکلف نیست، بلکه آنچه برای حیات دینی - اعتقادی انسان ضرورت دارد، معرفت حداقلی به امام عصر علیه السلام است که آموزه های دینی، آن را تکلیفی همگانی شمرده اند.

عنصرهای اعتقادی زیر در معرفت حداقلی وجود دارند:

یکم. اعتقاد به ضرورت وجود امام و حجت الهی در هر عصر؛

دوم. اعتقاد به تولد و حیات بالفعل امام عصر علیه السلام؛

سوم. اعتقاد به مقام امامت و ولایت امام عصر علیه السلام؛

چهارم. اعتقاد به غایب بودن امام عصر علیه السلام در این زمان؛

پنجم. اعتقاد به ظهور امام عصر علیه السلام در آینده برای گستراندن دین و عدالت در جهان.

نیبود هریک از این عناصر، شناخت نادرست امام را در پی می آورد و حرکت کردن را در جاده انتظار، ناممکن می کند.

### روش شناسی معرفت امام عصر علیه السلام

شناخت جایگاه تکوینی امام عصر علیه السلام در جهان، حس نیازمندی به آن حضرت را، در انسان ایجاد می کند، یعنی اگر انسان جایگاه محوری امام را در نظام هستی درک نکند، خود را نیازمند به او نمی بیند تا شأن ولایی و تشریحی اش را پاس بدارد و از سر خردورزی و روشن بینی و نامقلدانه از او پیروی کند و او را هم سنگ پیامبر بدانند.

اما هنگامی که انسان به رهبری دینی و سیاسی امام عصر علیه السلام باور دارد و او را واسطه میان خلق و خالق می داند، نه تنها وی را در معرفت تشریحی معادل پیامبر صلی الله علیه و آله و مطاع مطلق می خواند، که در تکوین نیز خود را نیازمند به او و ناگزیر به او می بیند.

پیدایی چنین نگرش و حس مبارکی در انسان، عشق به امام را، در درون انسان پدید می آورد و او نه تنها برای برآوردن نیاز خود به سوی امام، رو می آورد، که حجت عصر را «تنها راه» نجات و یگانه پناه خویش می خواند.

از این رو، برای این که انسان در حوزه سطحی معرفتی اش، به انحراف در امام شناسی دچار نگردد و امام را با دیگر رهبران سیاسی و زعیمان حکومت نسنجد، از دیدگاهی کلامی به این موضوع باید بنگرد، یعنی به شئون تکوینی و جایگاه ولایی امام در عالم هستی، باید توجه کند؛ زیرا شئون تشریحی (رهبری دینی و سیاسی) او پدیده ای اعتباری و برخاسته از شئون حقیقی و تکوینی مقام امامت است.

بنابراین، افزون بر این که امام عصر علیه السلام رهبر الهی و زعیم دینی و سیاسی مردم به شمار می رود، فرمان روای جهان تکوین، ولی نعمت، واسطه فیض الهی و برکت های زمینی و آسمانی و مایه بقای عالم هستی است.

القائم المنتظر المهدي المرجی الذی یبقائه بقیت الدنیا و بیمته

رزق الوری و بوجوده ثبتت الأرض و السماء...؛<sup>۱۵</sup>

امام قائمی که امیدها و چشم ها در انتظار آمدن او دوخته

شده است، کسی که به برکت وجود او جهان هستی باقی و برقرار مانده است.

این نگرش، زمینه را برای طرح دیگر مباحث امامت و مهدویت، فراهم می‌آورد و تفاوت جوهری امامت شیعه را با خلافت و سلطنت اهل سنت، آشکار می‌سازد. آن گاه هر انسان بانصاف و اندیشه‌وری، به روشنی خواهد دانست که «عصمت»، نخستین شرط جانشینی پیامبر ﷺ شمرده می‌شود. این معرفت حداقلی، با نگرش کلامی شیعه به دست خواهد آمد.

انسان در پرتو چنین معرفتی، نور می‌گیرد و به دلیل چنگ زدن به ریسمان هدایت (حبل‌الله) و برقرار ساختن رابطه با خدا، پیامبر ﷺ و امام عصر ﷺ، پیوسته از خدا می‌خواهد که این پیوند را ناگستنی گرداند و چنین نجوا می‌کند:

اللَّهُمَّ عَرَفَنِي نَفْسِكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تَعْرِفَنِي نَفْسِكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَفَنِي نَبِيَّكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تَعْرِفَنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَفَنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تَعْرِفَنِي حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنِ دِينِي؛<sup>۱۶</sup>

خدایا خودت، خودت را برایم بشناسان که اگر خودت را بر ما شناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا پیامبرت را برایم بشناسان و گرنه حجتت را نخواهم شناخت. خدایا حجتت را بر من بشناسان که اگر حجتت را بر من شناسانی، گمراه خواهم شد.

انسان منتظر، برخواسته معرفتی سوم (معرفت امام عصر ﷺ) بیش از دیگر خواسته‌ها تأکید می‌کند؛ زیرا رشته دیانت و هدایت انسان را به معرفت حجت عصر بسته می‌بیند. معرفت توحید و نبوت، نیز گرچه در رتبه‌ای پیش از معرفت امام قرار دارند و ریشه آن به شمار می‌روند در معرفت حجت، نهفته است.

هنگامی که از امام حسین علیه السلام درباره چیستی خداشناسی (معرفه‌الله) پرسیدند، آن حضرت فرمود:

معرفة أهل كل زمان إمامهم الذي يجب عليهم طاعته؛<sup>۱۷</sup>  
خداشناسی مردم هر زمانی، همان معرفت امام آن عصر است، چون معرفت امام عصر در هر زمانی، خاستگاه معرفت توحیدی است.

روایات، معرفت امام عصر علیه السلام را، پایه اندیشه انتظار دانسته‌اند، به گونه‌ای که با وجود چنین معرفت، حتی کسانی که توفیق زنده ماندن را تا عصر ظهور نیافته‌اند نیز در جرگه همراهان حضرت حجت علیه السلام و در رکاب او قرار می‌گیرند و پاداش آنان با دیگران یکسان است. امام محمد باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

ولا يعذر الناس حتى يعرفوا إمامهم، من مات وهو عارف لإمامه لم يضره تقدم هذا الأمر أو تأخر من مات وهو عارف لإمامه كان كمن هو مع القائم في فسطاطه؛<sup>۱۸</sup>  
مردم همگی مکلفند تا امام و حجت الهی را بشناسند و در این مورد هیچ گاه معذور نیستند. هر گاه کسی با معرفت امام زمانش بمیرد، زیانی نخواهد دید؛ چه امر ظهور

شناخت جایگاه تکوینی امام عصر علیه السلام در جهان، حس نیازمندی به آن حضرت را، در انسان ایجاد می‌کند، یعنی اگر انسان جایگاه محوری امام را در نظام هستی درک نکند، خود را نیازمند به او نمی‌بیند تا شأن ولایی و تشریفی‌اش را پاس بدارد و از سر خردورزی و روشن‌بینی و نامقلدانه از او پیروی کند و او را همسنگ پیامبر بداند.

جلو بیفتند و یا به تأخیر انداخته شود. چنین کسی همانند کسی است که در رکاب حضرت قائم علیه السلام و زیر خیمه او حضور دارد.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

من مات منتظراً لهذا الأمر كان كمن كان مع القائم في فسطاطه لا بل كان كالضارب بين يدي رسول الله بالسيف!<sup>۱۹</sup>

هر کس بمیرد در حالی که منتظر ظهور قائم باشد، همانند کسی است که همراهی حضرت قائم را درک نموده و در خیمه وی حضور دارد، بلکه همانند کسی است که در پیش روی پیامبر صلی الله علیه و آله بر دشمنان شمشیر می‌زند.

ضرورت معرفت امام و حجت زنده در هر عصر و زمان، همان بایسته مهم و عذرناپذیری است که این احادیث، هدایت و دیانت انسان‌ها را در گرو آن دانسته‌اند و خداوند همگان را به تحصیل آن موظف کرده است.

### لوازم معرفت امام عصر علیه السلام

#### الف) ذکر و یاد امام علیه السلام

منتظر واقعی همواره باید سعی کند که به یاد حضرت مهدی علیه السلام باشد، هر صبح با خواندن دعای عهد<sup>۲۰</sup> با امام خود دوباره پیمان ببندد، برای سلامتی و فرج او دعا کند و نامش را در هر محفل و مجلسی زنده نگاه دارد تا انتظار کشیدن ظهور او به پدیده‌ای همگانی بدل گردد.

پیراستگی از آلودگی‌های مادی و روحی نخستین گام لازم در این راه است؛ زیرا این آلودگی‌ها از سویی موجب پوشیده شدن چشم بصیرت آدمی با حجاب غفلت می‌گردند و از سوی دیگر، شایستگی درک حضور و یاد حضرت را از او می‌گیرند. بنابراین انسان همواره از امام خود غایب است (و غیبتۀ منّا)، چشمان حقیقت‌بین خود را از دست داده و خود باعث دوری از او شده‌ایم؛ زیرا آن حضرت همیشه حاضر و ناظر است و تا زمانی که بشر به هوش آید، ناگزیر پنهانی می‌زید.

#### ب) محبت به امام علیه السلام

انس و ارتباط روحی و دوستی با امام عصر علیه السلام به طور طبیعی، شناخت و یاد او را در پی می‌آورد؛ زیرا ممکن نیست کسی آن حضرت را به درستی بشناسد و محبت او قلبش را فرا بگیرد، اما در یاد وی نباشد و پیوسته او را نجوید.

او امامی است که در قلب‌ها و دل‌های مردم جا دارد و حکومت او بر دل‌ها و جان‌ها، بر پایه ایمان، معرفت، عشق و عاطفه است. از این‌رو، مردم به او عشق می‌ورزند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره محبوب بودن امام مهدی علیه السلام نزد مردم می‌فرماید:

أبشركم بالمهدى يبعث فى أمتى... يملأ الأرض قسطاً و عدلاً و يرضى عنه ساكن السماء و ساكن الأرض!<sup>۲۱</sup>  
شما را به آمدن مهدی بشارت می‌دهم... زمین را آکنده از عدل و داد می‌کند و اهل آسمان و زمین از حکومت او راضی و خشنودند.

المهدى... يرضى بخلافته أهل السماء و أهل الأرض و الطير فى الهواء!<sup>۲۲</sup>

مهدی کسی است که همه اهل آسمان و زمین از حکومت او راضی‌اند، حتی پرندگان آسمان.

محبوب و مقبول بودن، از آن روست که مردم جهان، دولت مهدی علیه السلام را نماد تحقق آرزوهای خود می‌دانند و لذا با میل و رغبت به او روی می‌آورند.

تأوى إليه أُمَّته كما تأوى النحلة إلى يعسوبها!<sup>۲۳</sup>  
شور و علاقه و دل‌بستگی مردم به امام مهدی علیه السلام رهبر حکومت جهانی، به گونه‌ای است که مردم، به او همانند زنبور عسل به ملکه علاقه‌مندند و به او پناه می‌برند.

هیچ دولتی، به اندازه دولت مهدوی نزد مردم محبوب نیست. بی‌گمان، این محبت و عشق، بیش از هر کسی، زینده منتظران است.

#### ج) رضایت امام علیه السلام

یکی از لوازم دیگر معرفت امام زمان علیه السلام کوشش برای خشنود ساختن امام عصر علیه السلام است که رضایت خداوند را نیز به دنبال



می‌آورد، یعنی تنها با پیروی از حجت الهی، خداوند را می‌توان راضی کرد.

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾<sup>۲۲</sup>

بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد.

رضایت آن حضرت نیز تنها با عمل به دستورهای دین، آراستگی به اخلاق نیکو و تقوا، دست یافتنی است. حضرت صاحب‌الامر (علیه السلام) در توقیع شریفی که برای مرحوم شیخ مفید فرستادند، کارهای ناشایست و گناهان شیعیان را یکی از اسباب یا تنها سبب دراز شدن زمان غیبت و دوری آنان از دیدار خود برشمرده‌اند:

فما يحبسنا عنهم إلا ما يتصل بنا مما نكرهه، و لا نؤثره منهم؛<sup>۲۳</sup>

تنها چیزی که میان ما و شیعیان فاصله انداخته است، همانا اعمال و رفتار ناخوش آیندی است که از آنان انتظار نمی‌رود و ما آن را نمی‌پسندیم.

إجعلوا قصدكم إلينا بالموادة على السنة الواضحة، فقد نصحت لكم و الله شاهد على و عليكم؛<sup>۲۴</sup>

هدف و مقصد خویش را درباره محبت و دوستی ما اهل بیت، بر مبنای عمل به سنت و اجرای احکام الهی قرار دهید؛ پس همانا که موعظه‌ها و سفارش‌های لازم را نمودم و خداوند متعال به رفتار همه ما و شما شاهد و گواه است.

از این رو، برآوردن خواسته‌های امام و دوری گزیدن از گناهان و رفتارهای ناشایست، نشان معرفت، دوستی و محبت صادقانه به امام است.

#### د) دعا برای سلامتی و تعجیل ظهور امام (ع)

دعا برای سلامتی و رسیدن فرج امام زمان (ع) از دیگر لوازم مهم معرفت و حس نیازمندی و پیوند به آن حضرت است.

مقصود از دعا، تنها خواندن زبانی خداوند نیست، بلکه خواستن قلبی نیز لازم است؛ یعنی اگر نماد همه آمال و آرزوهای انسان منتظر، امام زمان است، بزرگ‌ترین دغدغه او نیز، تعجیل ظهور آن حضرت باید باشد و با الحاح و التماس، آن را از خداوند بخواهد؛ زیرا جهان آفرینش بر پایه اسباب و مسببات، استوار و پدیدایی هر پدیده‌ای به وجود شرطها و زمینه‌های آن مشروط است. آموزه‌های دینی، دعا را یکی از اسباب و عوامل تعجیل ظهور دانسته‌اند؛ یعنی پدیده ظهور به تحقق شرطها و زمینه‌هایی وابسته است و دعا یکی از آنها (سلسله علل ظهور) شمرده می‌شود. معصومان به همین دلیل بر کثرت دعا برای تعجیل فرج آن حضرت، تأکید کرده‌اند و آن را موجب فرج و گشایش کار شیعیان دانسته‌اند.

خود امام عصر (ع) در توقیعی برای اسحاق بن یعقوب، فرستاده، به شیعیان چنین فرموده:

مقصود از دعا، تنها خواندن زبانی خداوند نیست، بلکه خواستن قلبی نیز لازم است؛ یعنی اگر نماد همه آمال و آرزوهای انسان منتظر، امام زمان است، بزرگ‌ترین دغدغه او نیز، تعجیل ظهور آن حضرت باید باشد و با الحاح و التماس، آن را از خداوند بخواهد؛ زیرا جهان آفرینش بر پایه اسباب و مسببات، استوار و پدیدایی هر پدیده‌ای به وجود شرطها و زمینه‌های آن مشروط است. آموزه‌های دینی، دعا را یکی از اسباب و عوامل تعجیل ظهور دانسته‌اند؛ یعنی پدیده ظهور به تحقق شرطها و زمینه‌هایی وابسته است و دعا یکی از آنها (سلسله علل ظهور) شمرده می‌شود.



و أكثرُوا الدعاء بتعجيل الفرج فإن ذلك فرجكم؛<sup>۲۷</sup>  
برای زودرس بودن امر فرج، بسیار دعا کنید؛ زیرا  
گشایش شما در آن است.

گرچه کلمه «فرج» به معنای مطلق گشایش است، در این جا  
به قرینه سیاق توقیع و وجود کلمه «تعجیل» (موضوع دعا) در آن،  
مراد از «فرج»، ظهور حضرت است. افزون بر این که خود «ظهور»  
برجسته‌ترین مصداق فرج است. هم‌چنین، تأکید بر فرج با کلمه  
«إن» و کاربرد «ذلك» به جای ضمیر «ه»، اهمیت موضوع دعا و  
تأثیر آن را در تعجیل ظهور، نشان می‌دهد.

پیام حضرت در این بخش از توقیع این است که تحقق  
زود هنگام ظهورش، به خواسته قلبی همه مردم و نه فرد یا افراد  
خاصی از آنان باید بدل شود؛ زیرا دعا تنها خواندن زبانی خداوند  
نیست، بلکه خواستن از روی شناخت و همراه با عشق و حس  
قلبی است و چنین دعا، هنگامی تحقق می‌یابد که تعجیل ظهور،  
مهم‌ترین دغدغه مردم و در صدر فهرست خواسته‌های آنان باشد  
و نیازمندی به ظهور امام زمان عجل الله فرآئده فراگیر شود.

امام حسن عسکری عجل الله نیز دعا کردن برای تعجیل ظهور  
فرزندش را در زمان غیبت او، یکی از ویژگی‌های شیعیان  
و منتظران ظهور، دانسته است. وی به احمد بن اسحاق قمی  
می‌فرماید:

و الله لیغیبن غیبة لا ینجوا فیها من الهلکة إلا من تبتّه الله  
عزّوجلّ علی القول بامامته و وقّعه فیها للدعاء بتعجیل  
فرجه؛<sup>۲۸</sup>

به خدا سوگند، فرزندانم غیبتی خواهد داشت که در آن  
زمان از هلاکت و گمراهی کسی نجات نمی‌یابد مگر  
این‌که خداوند او را بر پذیرش امامت فرزندانم، موفق  
نماید تا برای تعجیل ظهورش دعا کند.

آموزه‌های دینی بر توجه مردم به امام عصر عجل الله تأکید می‌کنند  
تا آنان دوران غیبت را مهم بشمارند و بدانند که در این دوران،  
امام عصر عجل الله تجسم همه انبیا و اولیا و واسطه همه فیض‌های  
الهی است و لذا آنان با توسل به آن وجود مقدس، از خداوند باید  
بخواهند که خواسته‌های‌شان بویژه تعجیل در ظهور آن حضرت  
را برآورد.

از این رو در دعای شریف افتتاح، توسل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و  
دیگر معصومان علیهم السلام، تنها یکبار در یازده سطر، و توسل به امام  
دوازدهم، حضرت صاحب‌الامر علیه السلام شش بار و در بیش از ۲۵ سطر  
آمده است و همه خواسته‌های مادی و معنوی، دنیوی و اخروی و  
فردی و جمعی، با توسل به او از خداوند درخواست می‌شود:

... اللهم المم به شعنا والشعب به فتقنا و کثر به قلتنا و أعزز  
به ذلتنا و أغن به عائلنا و اقض به عن مغرنا و اجبر به فقرنا  
و سدّ به خلّنا و یسر به عسرنا و بیض به وجوهنا و فكّ به  
أسرنا و أنحج به طلبنا و أنجز به مواعیدنا و استجب به  
دعوتنا و أعطنا به سؤلنا و بلّغنا به من الدنیا و الآخرة آمالنا  
و أعطنا به فوق رغبتنا...؛<sup>۲۹</sup>

خدایا پریشانی ما را به آن جمع گردان و پراکندگی امور  
ما را به وجود او اصلاح فرما و شکاف و تفرقه‌های ما را  
اتحاد بخش و عده قلیل ما را بسیار گردان و ذلت ما را به  
وجودش بدل به عزت ساز و نیاز ما را بدل به بی‌نیازی  
گردان و دین ما را به برکتش ادا فرما و فقر ما را جبران  
نما و نقص ما را مسدود ساز و مشکلات ما را به برکتش  
آسان گردان و به وجود او ما را رو سفید گردان و اسیران  
ما را آزاد ساز و حاجت‌های ما را روا گردان و وعده‌هایی  
که دادی منجز گردان و به برکتش دعا‌های ما مستجاب  
و درخواست‌های ما را عطا فرما و به آرزو‌هایی که در  
دنیا و آخرت داریم برسان و به ما فوق آن‌چه مایلیم عطا  
فرما...

تأکید بر وجود مقدس امام عصر عجل الله با «به»، در همه این  
درخواست‌ها وجود دارد. همه این تأکیدها در این گونه از آموزه‌ها  
(دعاها)، برای جلب کردن توجه مردم به آن وجود مقدس در عصر  
غیبت است.

بنابراین، دعا عامل معنوی مؤثری در تعجیل ظهور حضرت و  
توجه مردم به او و یکی از بایسته‌های مهم انتظار زمینه‌ساز شمرده  
می‌شود.

زراره از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

ألا یدلکم علی شیء لم یستثن فیهِ رسول الله؟ الدعاء یرد  
القضاء و قد أبرم إبراماً؛<sup>۳۰</sup>

آیا می‌خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که پیامبر ﷺ در مورد تأثیر آن استثنائی قائل نشده است؟ دعا جلو قضای الهی را بعد از تأیید نیز می‌گیرد و آن را تغییر می‌دهد.

گاهی مقدرات و زمینه‌های تحقق پدیده‌ای فراهم می‌گردد تا قضا به آن حتمیت و فعلیت بخشد، اما هنگامی که عاملی مانند دعا در تقدیرات نخستین اثر گذارد و اوضاع را عوض کند، قضا نیز دچار تغییر می‌شود و آن چه مقدر شده بود، محقق نمی‌گردد.

این گفته که همه پدیده‌ها با قضای الهی تحقق می‌پذیرند، با تأثیرگذاری دعا ناسازگار نیست؛ زیرا دعا خود دارای تأثیری جوهری و تکوینی است و می‌تواند در سلسله طولی علل تحقق اشیا قرار گیرد. البته این تأثیرگذاری نیز به اذن و اراده الهی صورت می‌پذیرد و لذا اعتقاد به تأثیر دعا، عین توحید است؛ زیرا همان خدایی که بندگان را به دعا کردن مأمور کرده «أدعونی أستجب لکم»،<sup>۳</sup> دعاهای آنان را مؤثر و مجرای تحقق اراده خود قرار داده است. بنابراین، پدیده ظهور حضرت حجت علیه السلام و تعجیل یا تأخیر در زمان آن، همانند دیگر پدیده‌ها، به قضای الهی وابسته است و دعای انسان موظف به دعا کردن نیز، در آنها تأثیر می‌گذارد.

مهم این است که دعا، از خواست قلبی مردم سرچشمه بگیرد تا آثارش در عمل و رفتار آنان نمایان گردد؛ یعنی شیعیان و منتظران عاشق آن حضرت، در پی دعای خود در تهذیب نفس و اصلاح کارها بکوشند تا به رسیدن فرج آن حضرت شتاب بخشند و زمینه را برای پذیرش حکومت عدالت‌خواه امام عصر علیه السلام آماده کنند.

دعاها و ذکرهای فراوانی مانند ندبه، اللهم کن لولیک (فرج)، عهد، دعای صاحب‌الامر، غریق، زیارت آل یاسین، زیارت جامعه و... در این زمینه وجود دارند که ائمه شیعیان را به پیوسته خواندن آنها سفارش کرده‌اند. دعای زیر نمونه‌ای از آنهاست:

اللهم عرفنی نفسک فإنک إن لم تعرفنی نفسک لم أعرف نبيک، اللهم عرفنی رسولک...  
اللهم عرفنی حجتک فإنک إن لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی.

#### هـ) نکوداشت مناسبت‌های مهدوی

یکی از بایسته‌های دیگر معرفت امام عصر علیه السلام که در فرهنگ‌سازی و نهادینه شدن انتظار، کاربرد بسیاری دارد، نکوداشت مناسبت‌ها و عیدهایی مانند پانزده شعبان است. این کار تأثیر فراوانی در گسترش فرهنگ مهدوی و افزایش معرفت و محبت مردم به امام عصر علیه السلام می‌گذارد؛ زیرا برگزاری جشن‌های مذهبی و شرکت مردم در این نوع از آیین‌های دینی، موجب تعظیم شعائر الهی و انس و الفت مردم با معارف اهل بیت می‌شود و اگر این آیین‌ها به درستی برگزار و مدیریت شوند و از پیرایه‌های ناسازگار با شأن اهل بیت علیهم السلام پالایش گردند، به جلوه‌گاه معرفت، فضیلت، پاکی و عشق مردم به اهل بیت علیهم السلام و امام زمان علیه السلام بدل خواهند شد.

- آموزه‌های دینی بر توجه مردم به امام عصر علیه السلام تأکید می‌کنند تا آنان دوران غیبت را مهم بشمارند و بدانند که در این دوران، امام عصر علیه السلام نجسم همه انبیا و اولیا و واسطه همه فیض‌های الهی است و لذا آنان با توسل به آن وجود مقدس، از خداوند باید بخواهند که خواسته‌هایشان بویژه تعجیل در ظهور آن حضرت را برآورد. مهم این است که دعا، از خواست قلبی مردم سرچشمه بگیرد تا آثارش در عمل و رفتار آنان نمایان گردد؛ یعنی شیعیان و منتظران عاشق آن حضرت، در پی دعای خود در تهذیب نفس و اصلاح کارها بکوشند تا به رسیدن فرج آن حضرت شتاب بخشند و زمینه را برای پذیرش حکومت عدالت‌خواه امام عصر علیه السلام آماده کنند.

زادروز امام زمان علیه السلام از شیرین‌ترین، خجسته‌ترین و بزرگ‌ترین عیدهای اسلامی و جشن زنده شدن آرزوها و امیدها و آماده شدن برای شرکت در نهضتی بزرگ و انسانی است که با آگاهی، حرکتی پیوسته، سازنده و زندگی‌بخش و پیمان و هم‌سویی با آن حضرت می‌آمیزد؛ عید ولادت او، عید همه انسان‌های پاک و آزاده عالم است.

امام عسکری علیه السلام پس از ولادت با برکت فرزند گرمی‌اش مهدی علیه السلام دستور داد نان و گوشت فراوانی (ده هزار دهل) بخرند و در میان فقیران سامرا تقسیم کنند.<sup>۳۲</sup> هم‌چنین هفتاد قوچ در آیین عقیقه او قربانی کرد و برخی از راویان آورده‌اند که سی صد گوسفند قربانی کرد.<sup>۳۳</sup> و چهار تایی آنها را برای یکی از اصحاب خود به نام ابراهیم فرستاد و در نامه‌ای برای او چنین نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم. این گوسفندها از فرزندم محمد مهدی علیه السلام است. خودت از آنها بخور و هرکس از شیعیان ما را دیدی، به او هم بخوران.<sup>۳۴</sup>

هنگامی که شیعیان از ولادت آن حضرت باخبر شدند، سرتاسر وجودشان را سرور و شادی فرا گرفت و دسته‌دسته خدمت امام عسکری علیه السلام می‌رسیدند و ولادت آن بزرگوار را به ایشان تبریک می‌گفتند. شاعران نیز با سرودن شعرهای بسیاری در این باره سرور و خوش حالی خود را آشکار می‌کردند.<sup>۳۵</sup> این روز بزرگ مظهر نشاط و شادی مسلمانان بویژه شیعیان جهان است. بنابراین، شادی و فرح آنان در این روز با شادمانی اهل بیت هم‌سو باید باشد.<sup>۳۶</sup>

بدون شک برپا ساختن جشن و چراغانی و شادمانی اقشار مختلف جامعه در ایام مثل عید شعبان، عید عدالت، آزادی، عزت و کرامت انسانی، حاکی از ارادت و ایمان و شور عشق برپا کنندگان آن است که رابحه دل‌انگیز آن، مشام هر دوست‌دار عدالت و فضیلت را معطر می‌سازد و نام آن مصلح الهی را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد. این شور و شوق‌ها، جلوه زیبای نفیس‌ترین احساسات شیفتگان و شیعیان آن حضرت است که شکوه انتظار مقدس آن یگانه دوران، برای عاشقان و دل‌باختگان آن حضرت، بسی شوق‌انگیز و بهجت‌آور است و نام و یاد مقدس آن حضرت در این ایام، سرفصل بیت‌الغزل این‌گونه محافل و مجالس معنوی است. این شور و شوق‌ها، داستان تشخیص یکی از نفیس‌ترین

تعلیمات دین خداست، داستان گفت‌وگو از انسان کامل، انسان قرآن و انسان متعالی است که برای تحقق اهداف ناب و اعلای حیات انسانی و مصلحان بزرگ تاریخ بشری بویژه انبیا و اولیای الهی، ذخیره شده است و ما نیز موظف و مکلف هستیم و بلکه اقتضای عشق و ایمان هر عاشق مؤمنی است که یاد و نام او و پیام انتظار او را، زنده و شاداب، به گوش جهانیان برسانیم.<sup>۳۷</sup>

### و) توجه به مکان‌ها و نمادهای مهدوی

توجه به مکان‌هایی مانند مسجد مقدس جمکران و دیگر مسجدها، حرم‌ها و بقعه‌های متبرک و فراخواندن مردم به سوی آنها، تأثیر فراوانی در برانگیختن حس مذهبی و جذب و آشنایی آنان با مسائل مهدویت، خواهد گذارد.

امروز مسجد مقدس جمکران بر اثر گسترش گرایش و توجه فراوان قشرهای گوناگون مردم به حضرت مهدی علیه السلام به پایگاهی مهم برای تبلیغ دین و معارف مهدوی در سطح بین‌المللی، بدل شده است به گونه‌ای که هیچ ابزار فرهنگی دیگری، به اندازه آن کارآمد نیست.

شمار انبوه زائران و مشتاقان حضرت که از سراسر جهان بویژه در نیمه شعبان به آن مکان مقدس می‌آیند، عشق بی‌پایان مردم را به ایشان نشان می‌دهد و جهت‌گیری صحیح و استفاده بهینه و آسیب‌شناسانه، از این فرصت‌ها برای تقویت ارتباط مردم با امام عصر علیه السلام بسیار مهم است.

### تفسیر صحیح مفاهیم و آموزه‌های مهدویت

مفاهیم و آموزه‌هایی مانند غیبت، انتظار، ارتباط و ملاقات، علایم و شروط ظهور، زمان ظهور و... هم‌چون دیگر آموزه‌های دینی، به تبیین صحیح و مستند و تفسیر کارشناسانه، نیازمندند؛ زیرا بدفهمی آنها بدعت‌ها و پیدایش فرقه‌ها و نحله‌های منحرف بسیاری پدید می‌آورد.

از این رو، فهم و تفسیر صحیح مسائل مهدویت، و مرزبندی میان حقیقت و خرافه و شناخت آفت‌ها و مقابله با آنها، از مهم‌ترین بایسته‌های مهدویت‌پژوهی و رسالت مهم کارشناسان و مراکز علمی - فرهنگی است.

## عوامل آفت‌زا

عوامل گوناگونی مانند سطح‌نگری و روشن‌فکر مآبی به گسترش فرهنگ مهدوی در جامعه شیعه آسیب می‌رسانند و هر یک از آنها، پی‌آمدهای زیان‌بار فراوانی به دنبال دارد.

### الف) سطح‌نگری

سطح‌نگری و عوام‌گرایی در مسائل مهدویت، عامل مخربی است که اندیشه مهدویت و انتظار را از محتوای اصیل و سازنده آن تهی می‌کند و مردم را از توجه به مفاهیم و اهداف ارجمند آن بازمی‌دارد و آنان را به سوی خرافه، کژاندیشی و انحراف، سوق می‌دهد. افراد کم‌سواد که از تحلیل مفاهیم عمیق و سازنده اندیشه مهدویت عاجزند، بیش از دیگران به خرافه‌گرایی‌شان دارند؛ برخی از آنان با مداحی‌های بی‌محتوا و ریاضت‌کشی‌های بدون دلیل و گروهی دیگر با گردآوری داستان‌هایی ضعیف درباره خواب‌ها و ملاقات‌ها و سفارش به ختم‌گیری، چله‌نشینی و گفتن اذکار و اوراد و...، برای تشرف به حضور آن حضرت، بر رونق بازار داستان‌سرایی و خرافه‌گرایی می‌افزایند. آنان از روش‌مند نبودن تشرف به آن محضر، غافلند و گمان می‌کنند که با خواندن فلان دعا و ورد خاص یا با فرمول معینی، حتماً به مقام دیدار با امام علیه السلام بار می‌یابند. اما برپایه توقیع شریف آن حضرت به آخرین نایب خاصش (علی بن محمد سمری)، امام علیه السلام آشکارا در زمان غیبت کبرا، با هیچ‌کس رفت و آمد نمی‌کند و دفتری برای ملاقات‌های خصوصی ندارد.

آن‌چه بازار نقل‌ها و حکایت‌نویسی‌ها را گرم می‌کند، عوام‌گرایی، برخوردهای سلیقه‌ای و درآمدهای کتاب‌هایی است که به دلیل داستانی بودنشان، قشر عوام آنها را بسیار می‌خرند. برخی از این حکایت‌ها به اندازه‌ای سبک و بی‌پایه است که آمیخته بودنشان به ریا و تظاهر و دروغ، با اندکی تأمل آشکار می‌گردد.

بی‌گمان گسترش این‌گونه افکار سست و مضحک در جامعه، موجب وهن اعتقادات مردم و غفلت آنان از عناصر سازنده و محتوای اصیل اندیشه مهدویت، خواهد شد و پی‌آمدهای زیان‌باری به دنبال خواهد آورد.

البته به دلیل وجود تواتر اجمالی برخی از اخبار درباره تشرف افراد ثقه و اهل ورع و تقوا، به محضر امام زمان علیه السلام دیدار او در عصر غیبت، امکان‌پذیر است. اما باید توجه کرد که این دیدار تنها هنگامی تحقق می‌پذیرد که خداوند بر پایه مصالح خاصی، به کسی اذن تشرف بدهد تا او در صورتی که آن حضرت بخواهد، به چنین فیضی دست یابد.

باری، بزرگان و علمای شیعه بر آنند که اصل در زمان غیبت کبرا، ارتباط نداشتن با امام زمان علیه السلام است و پذیرش ادعای ملاقات با او، به دلیل و قرینه اطمینان‌آور نیاز دارد.

### ب) روشن‌فکر مآبی

نگرش روشن‌فکرانه و دور از تعبد در مباحث مهدویت نیز مخرب و زیان‌بار است. برخی از افراد به جای استفاده از اصول عقلی و کلامی برای تحلیل و بررسی اندیشه مهدویت و

- امروز مسجد مقدس جمکران بر اثر گسترش گرایش و توجه فراوان قشرهای گوناگون مردم به حضرت مهدی علیه السلام به پایگاهی مهم برای تبلیغ دین و معارف مهدوی در سطح بین‌المللی، بدل شده است به گونه‌ای که هیچ ابزار فرهنگی دیگری، به اندازه آن کارآمد نیست. سطح‌نگری و عوام‌گرایی در مسائل مهدویت، عامل مخربی است که اندیشه مهدویت و انتظار را از محتوای اصیل و سازنده آن تهی می‌کند و مردم را از توجه به مفاهیم و اهداف ارجمند آن بازمی‌دارد و آنان را به سوی خرافه، کژاندیشی و انحراف، سوق می‌دهد.

عناصر سیاسی - حکومتی آن، از معیارهای رایج در میان مردم بهره می‌گیرند. این روی کرد پی‌آمدهای خطرناکی به دنبال خواهد داشت؛ زیرا از سویی با فرو کاستن فرهنگ انتظار به اندازه دیگر اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی که صدها چون و چرا و نقض و ابرام در آنها وجود دارد، رفته‌رفته موجب تردید مردم در حتمیت و قطعیت واقعه ظهور می‌گردد و از سوی دیگر اندیشه مهدویت را از همه پشتوانه‌های غیبی و الهی آن تهی و امام مهدی علیه السلام را هم‌چون رهبر جنبشی اجتماعی، گرفتار قانون‌های پذیرفته جوامع بشری، مجسم می‌کند.<sup>۳۸</sup>

بنابراین، خرافه‌زدایی و ایستادن در برابر نگرش‌های روشن‌فکرانه افراطی در حوزه مباحث مهدوی، از دیگر بایسته‌های انتظار سازنده و فعال به شمار می‌آیند.

### پیراستگی و تقوای پیشگی

بی‌گمان پارسایی و آراستگی به فضیلت تقوا و آداب و اخلاق نیکو، موجب برآزندگی و زیبایی هر انسان عاشق کمال و فضیلت می‌شود. خواسته اصلی پیشوایان دین و خود امام مهدی علیه السلام عمل کردن به دستوره‌های دینی و اجرای وظایف فردی و اجتماعی است؛ زیرا الگوپذیری و پیروی مردم از امام و پیشوای معصومشان در افکار، آداب، منش و رفتار، پس از معرفت و عشق به او ضروری است؛ یعنی نمی‌توان تصور کرد که عاشقان و شیفتگان امام عصر علیه السلام به راه و رسم زندگی مهدی‌وار بی‌اعتنا باشند، از رفتار وی، پیروی نکنند و بدون هم‌راهی و هم‌رنگی با او، منتظر و چشم به راهش بمانند.

آن حضرت نیز در این عصر، جز چنگ زدن به دامن دین و عمل به وظایف دینی، انتظار دیگری از مردم ندارد و کار اصلی‌اش جز تحقق دین و بسط و گسترش آن نیست. اهل باطل نیز به انگیزه کشاندن جوامع انسانی به ورطه فساد و تباهی و دست‌یابی به هدف‌های پلید دنیایی خود، جز در راه دین‌زدایی و اباحه‌گری نکوشیده‌اند و با به کارگیری بهترین شیوه‌ها؛ یعنی گستراندن انواع فساد اخلاقی و لایابالی‌گری در جامعه و زدودن تعهد و هویت دینی و انگیزه‌های ایمانی انسان‌های مؤمن بویژه جوانان، تلاش کرده‌اند تا آنان آموزه‌های دینی و مذهبی مانند: ثواب و عقاب و ظهور امام زمان علیه السلام را خرافه و افسانه بدانند و به آرامی از آنها دور

شوند و بر اثر پذیرش فرهنگ دنیاطلبی، هوس‌رانی و تنوع‌خواهی از فرمان‌های الهی سر بیچند، به ارزش‌های دینی و انسانی توجه نکنند و اراده جمعی را به صورت افسار گسیخته‌ای به سمت اشباع هواهای نفسانی و تفاخرهای کاذب دنیوی، معطوف سازند.

اما اندیشه انتظار، تصلب دینی و پای‌بندی به معیارهای دینی را، عنصری مهم می‌شمارد و بر ضرورت آن تأکید می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مهم‌ترین وظیفه منتظران ظهور مهدی علیه السلام را، پیروی از او در زمان غیبت می‌داند:

طوبی لمن أدرک قائم أهل بیتی و هو مقتد به فی غیبتہ قبل قیامه و یتولّی أولیایه و یعدای أعدائہ ذلک من رفقائی و ذوی مودّتی و أکرم أمتی علیّ یوم القیامه؛<sup>۳۹</sup>  
خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کرده و در زمان غیبت و پیش از قیامت، پیرو او باشد، با دوستان او دوست باشد و دشمنان او را دشمن بدارد، چنین کسی در روز قیامت از رفقا و دوستان من و گرامی‌ترین امت من در نزد من خواهد بود.

عبارت «و هو مقتد به»<sup>۴۰</sup> فی غیبتہ» گویای لزوم سنخیت و هم‌گونی اصام و پیروان؛ یعنی آنان با عمل به دین، هم‌راهی با دوستان و برائت از دشمنان پیوندی معنوی با امام علیه السلام باید ایجاد کنند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

من سرّه أن یکون من أصحاب القائم فلیتظّر و لیعمل بالورع و محاسن الأخلاق و هو منتظر... فجدّوا و انتظروا  
هینأ لکم أیتها العصابة المرحومة؛<sup>۴۱</sup>

هر کس آرزو دارد که از جمله اصحاب حضرت قائم باشد باید منتظر او باشد و در این حال انتظار براساس تقوا و اخلاق نیک رفتار نمایند. پس جدی باشید و پافشاری کنید در آراستگی اخلاقی و رفتاری خود و چشم به راه آمدن حضرت باشید که بر شما گوارا باد این انتظار و چشم به راهی، ای گروه اهل رحمت و نجات.

بنابراین، تنها راه قرار گرفتن در صف یاران مهدی علیه السلام، الگوپذیری عملی و اخلاقی از او در عصر انتظار است.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾<sup>۴۲</sup>

درباره آیه امام باقر علیه السلام می فرماید:

اصبروا علی أداء الفرائض و صابروا عدوكم و رابطوا امامكم المنتظر<sup>۴۳</sup>؛  
در انجام واجبات دینی مقاوم و استوار باشید و در مقابل دشمنانتان محکم و با امامی  
که در انتظار او نشسته‌اید، پیوند معنوی ایجاد نمایید.

هم‌چنین امام عصر علیه السلام در توقیعی که به شیخ مفید؛ فرستاده، پیروان و منتظران ظهورش  
را، به ولایت‌پذیری و عمل به احکام و دستورهای الهی، سفارش کرده است:

فلیعمل کل امرء منکم بما یقرب به من محبتنا و الیجتنب ما یدنیه من کراهتنا و سخطنا؛<sup>۴۴</sup>  
پس عمل کنید هر کدام از شما به آنچه موجب نزدیکی و جلب محبت ما اهل بیت  
می‌گردد. و دوری‌گزینید از کارهایی که ناراحتی و خشم و موجبات رنجش ما  
می‌گردد.

فإن أمرنا بغتة فجأة حين لا تنتفعه توبة و لا ینجیه من عقابنا ندم علی حوبة؛  
فرمان ظهور دفعی و ناگهانی است آن وقت توبه برای کسی سودی نخواهد داشت و  
نیز پشیمانی کسی از کار زشت وی را از مجازات ما نجات نخواهند داد.

یعنی خود را با عمل صالح و اخلاق نیکو، آماده نگه دارید و منتظر امر ظهور باشید.  
آن حضرت در دعای معروف خود (اللهم ارزقنا توفیق الطاعة و بعد المعصية و...) <sup>۴۵</sup> که  
آن را به شیعیان و منتظران آموخته نیز توفیق بندگی و عمل برپایه دستورهای دینی و دوری  
از معصیت و گناه را نخستین خواسته انسان از خداوند دانسته است.  
بنابراین، یکی از بایسته‌های مهم ظهور، الگوپذیری از او؛ یعنی عمل بر پایه ورع و تقوا  
و ایجاد آراستگی‌های اخلاقی و ارزشی است و زمینه حضور حضرت را با برداشتن برخی از  
موانع آن و سامان دادن کارهای شایسته، باید فراهم آورد. ادای تکلیف‌های فردی و اجتماعی  
دین، معیار مهدوی‌زیستن و محکی است که با آن، منتظران صادق را از مدعیان انتظار و  
میزان قرب و بُعد افراد را به آن حضرت می‌توان بازشناخت؛ زیرا امام علیه السلام دین‌دارترین انسان  
و عامل‌ترین آنان به تکلیف‌های الهی است.

بنابراین اگر کسی بخواهد راه و رسم مهدوی‌زیستن را در پیش گیرد، به شیوه دین‌داری و  
اجرای وظایف دینی پای‌بند باید باشد. امام عصر علیه السلام که وظیفه قیام و اقامه عدالت در سرتاسر  
جهان و نابودی مظاهر شرک و کفر و فساد را برعهده دارد، در زمان غیبت، به زمینه‌سازی  
برای این کار مهم می‌پردازد. کسی که می‌خواهد روش امام علیه السلام را در زندگی خود به  
کار گیرد نیز در راه زمینه‌سازی برای ظهور او باید بکوشد.

از این‌رو، مهدوی‌زیستن تنها به دین‌مدار بودن و تلاش کردن برای زمینه‌سازی ظهور آن  
حضرت وابسته است؛ زیرا هدف دین و فلسفه ظهور او، احیای ارزش‌های الهی در جامعه و  
رشد انسان‌هاست؛ یعنی دین و شریعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، تاکنون شرط‌های لازم را برای تحقق

اگر کسی بخواهد راه  
و رسم مهدوی‌زیستن  
را در پیش گیرد، به  
شیوه دین‌داری و اجرای  
وظایف دینی پای‌بند باید  
باشد. امام عصر علیه السلام  
که وظیفه قیام و اقامه  
عدالت در سرتاسر جهان  
و نابودی مظاهر شرک  
و کفر و فساد را برعهده  
دارد، در زمان غیبت، به  
زمینه‌سازی برای این  
کار مهم می‌پردازد. کسی  
که می‌خواهد روش امام  
زمان علیه السلام را در زندگی  
خود به کار گیرد نیز در  
راه زمینه‌سازی برای  
ظهور او باید بکوشد.

کامل نداشته است و مأموریت اصلی امام مهدی علیه السلام گستراندن دین جدش و اجرای عدالت در جهان است. بنابراین شرط انتظار ظهور امام علیه السلام پیروی عملی از او در عصر غیبت است.

### ایستادگی در سختی‌ها و امتحانات

انسان منتظر در برابر حوادث و مصیبت‌ها باید بایستد تا این رسالت سنگین را بتواند ادا کند. استحکام و پختگی او نیز، از معرفت و آگاهی و توانایی و گنجایی وجودی‌اش، سرچشمه می‌گیرد. از این‌رو، مهم‌ترین دعا و خواسته او از خداوند، فزونی معرفت شناخت امام و حجت حاضر است:

اللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِكَ... تَبْتِنِي عَلٰى دِينِكَ صَبْرًا عَلٰى ذَلِكَ؛

خدایا! خودت را به من بشناسان... مرا در راه دینت استوار گردان و به من صبر بده!

مردم در زمان غیبت به سخت‌ترین امتحان‌ها دچار و زیر و رو می‌شوند و منتظر در کنار خوشی‌ها، رنج‌ها و سختی‌ها را نیز باید تحمل کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ أَيَّاسٍ لَا وَاللَّهِ حَتَّى تَمَيِّزُوا؛<sup>۴۶</sup>  
این امر تحقق نخواهد یافت مگر بعد از یأس و ناامیدی از دیگران، نه به خدا سوگند، امر ظهور به وقوع نخواهد پیوست تا زمانی که در اثر ابتلائات شدید، ماهیت افراد، آشکار نشود و صف‌بندی‌ها مشخص نگردد.

امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِنَّمَا يَجِيئُ الْفَرَجَ بَعْدَ الْيَأْسِ؛<sup>۴۷</sup>  
ظهور زمانی رخ خواهد داد که مردم از دیگر راه‌ها، ناامید شوند.

امام باقر علیه السلام به پرسشی درباره زمان رسیدن فرج می‌فرماید:

هِيَات، هِيَات لَا تَكُونُ فَرَجَنَا حَتَّى تَغْرِبُوا ثُمَّ تَغْرِبُوا، ثُمَّ تَغْرِبُوا (يَقُولُهَا ثَلَاثًا) حَتَّى يَذْهَبَ الْكُذْرُ وَيَبْقَى الصَّفْوَرُ؛<sup>۴۸</sup>  
هیات‌ها، هیات‌ها تا نکون فرج‌ها حتی تغربلوا تم تغربلوا، ثم تغربلوا (بگویدها ثلاثاً) حتی یذهب الكدر و یبقی الصفور؛<sup>۴۸</sup>

هیات‌ها فرج ما نرسد تا غربال شوید، باز هم غربال شوید

و باز هم غربال شوید تا این‌که کدرها برود و صافی‌ها بماند.

وی در جای دیگری می‌فرماید:

هِيَات لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمْدُونُ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تَغْرِبُوا، لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمْدُونُ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تَمَيِّزُوا، لَا وَاللَّهِ لَا تَمْدُونُ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ إِلَّا بَعْدَ أَيَّاسٍ، لَا يَكُونُ الَّذِي تَمْدُونُ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى يَشْفَى مِنْ شَقِيٍّ وَيَسْعَدُ مِنْ سَعْدٍ؛<sup>۴۹</sup>

هیات‌ها از آن‌چه آرزوی آن را در دل می‌پرورانید! به خدا سوگند بدان‌چه چشم دوخته‌اید نخواهید رسید مگر این‌که همگی در غربال امتحان تکان سختی بخورید و در این امتحان آزموده شوید تا صف خوبان از بدان و ثابت‌قدمان از مدعیان، جدا گردد. به خدا سوگند این آرزو عملی نخواهد شد مگر بعد از یأس و ناامیدی و تا زمانی که افراد شقی، شقاوتش را و افراد اهل سعادت، لیاقت و صلاحیتش را آشکار سازند.

عبارت «تَمْدُونُ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ»<sup>۵۰</sup> (برای یافتنش گردن می‌کشید و با حرص و ولع در پی آنید)، در برخی از روایت‌ها به جای «تَمْدُونُ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ»، شدت تقاضای مردم را برای رسیدن به این آرزوی بزرگ نشان می‌دهد؛ یعنی مردم بدون هزینه به آن دست‌رس نخواهند داشت بلکه در دوران انتظار به پختگی و استقامت لازم برای ساختن زمینه‌های ظهور باید دست یابند و گرنه خداوند فریاد انتظارشان را بی‌پاسخ خواهد گذارد و این نعمت بزرگ را به آنان ارزانی نخواهد کرد.

شمار ریزش‌ها برپایه این روایت به اندازه‌ای است که اندک کسانانی در عصر غیبت خود را حفظ می‌کنند و در این غربال، می‌مانند.

امام رضا علیه السلام سوگند یاد می‌کند و می‌فرماید:

أَمَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ الَّذِي تَمْدُونُ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تَمَيِّزُوا وَتَمَحَّصُوا حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ؛<sup>۵۱</sup>  
قسم به خدا آن‌چه در انتظار رسیدن آنید فرا نخواهد رسید تا ناخالصی‌های شما به خوبی پاک گردد. در این



آزمون چندان کسی از شما باقی نمی ماند!

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ﴾<sup>۵۲</sup>

آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟

او با این حدیث به شیعیان خودی و خواص هشدار می دهد که امتحان آنان دشوارتر و رسالتشان در عصر غیبت، مهم تر از دیگران است.

## آمادگی

آمادگی برای ورود به عصر ظهور و داشتن درک و استعداد لازم برای پذیرش حکومت عدل جهانی مهدوی از دیگر بایسته های مهم عصر انتظار است.

این بایستگی، در دو سطح عام و خاص بررسی می شود. آمادگی عمومی بایسته فراگیری است که به چگونگی تعامل و رویکرد نوع بشر و همه جوامع انسانی با این موضوع، ارتباط دارد و به قوم، ملیت، مذهب و جغرافیای خاصی وابسته است. اما آمادگی خاص، ویژه پیروان مذهب تشیع و منتظران خاص حضرت مهدی علیه السلام است.

### الف) آمادگی عمومی

آمادگی های عام، با توجه به نوع نگرش، رفتار و رویکردهای جامعه بشری در زمینه های گوناگون فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی زندگی انسان، نمود می یابند. لزوم آمادگی در سطح عام، از این رو، در گروه مهم ترین بایسته های ظهور قرار می گیرد. پدیده ظهور آثار فراگیر و دست آوردهای عمومی و جهانشمولی دارد و این رویکرد نخست از جوامع شیعه باید آغاز شود و به دیگر جاها سرایت کند تا به آرامی به رویکردی عام و جهانی بدل گردد. اما اولویت آمادگی شیعیان به معنای اختصاص داشتن این مسئله مهم به جهان تشیع نیست؛ زیرا ضرورت آمادگی عمومی، از نیاز مشترک همه انسان ها به عدالت و امنیت سرچشمه می گیرد. هر چند ممکن است بسیاری از مردم در تشخیص این گم شده دیرین خود، به غفلت یا اغفال دچار شوند، این نیاز، به قوم، مذهب و منطقه خاصی، محدود نمی شود.

بنابراین، تحقق آمادگی عمومی؛ یعنی نیازمند شدن جامعه انسانی به حکومت عدل جهانی مهدوی و هدف های ظهور، مهم ترین شرط انتظار ظهور است و بشر برای دست یابی به چنین آرمان بلند، از درک و پذیرش این حقیقت ناگزیر خواهد بود؛ زیرا پدیده ظهور بیرون از روند طبیعی حرکت جامعه انسانی تحقق نمی یابد، بلکه به نوع تحول ها و خواسته های افراد جامعه و اراده و سلوک انسان ها وابسته است؛ یعنی جامعه بشری، به طور ناگهانی با پدیده ای ناسازگار و نامتناسب با حرکت خود روبه رو نمی شود بلکه این روی داد بزرگ تاریخ بشر، در صورتی تحقق خواهد یافت که زمینه های آن فراهم آید. حادثه ظهور، با دیگر روی دادهای جامعه آمیخته است و در فرآیند صعود مرحله ای جامعه بشری به سوی آمادگی، رخ خواهد داد.

آمادگی برای ورود به عصر ظهور و داشتن درک و استعداد لازم برای پذیرش حکومت عدل جهانی مهدوی از دیگر بایسته های مهم عصر انتظار این بایستگی، در دو سطح عام و خاص بررسی می شود. آمادگی عمومی بایسته فراگیری است که به چگونگی تعامل و رویکرد نوع بشر و همه جوامع انسانی با این موضوع، ارتباط دارد و به قوم، ملیت، مذهب و جغرافیای خاصی وابسته است. اما آمادگی خاص، ویژه پیروان مذهب تشیع و منتظران خاص حضرت مهدی علیه السلام است.

از این رو، ظهور را فرآیندی باید دانست که آخرین مرحله آن حضور و قیام امام عصر علیه السلام برای اداره و اصلاح جامعه بشری است.

عوامل مؤثر در تغییر و تحول جامعه، به اندازه‌ای شفاف و روشن نیست که بتوان زمان ظهور را تخمین زد و آن را نزدیک یا دور دانست. لذا انسان همواره منتظر و آماده باید باشد. معصومان نیز توصیه کرده‌اند که هر صبح و شام منتظر ظهور باشید؛ زیرا ظهور پدیده‌ای ناگهانی است. این ویژگی انتظار انسان‌ها را به اصلاح طلبی و دگرگونی خواهی برمی‌انگیزد. اگر انسان‌ها کم‌بودها را حس نکنند و موانع را نشناسند، هیچ‌گاه برای رفع آنها و برآوردن نیازهای خود، برنامه‌ریزی و کوشش نخواهند کرد.

آمادگی در سطح عام، مراحل و مراتبی دارد که دستیابی به هریک از آنها، با آگاهی، عزم، اراده و حرکت جمعی حق طلبانه و عدالت‌خواهانه امکان‌پذیر است. آمادگی فکری و روحی - روانی و رشد فکری بشر برای پی‌بردن به اهمیت و ضرورت این روی کرد نخستین مرحله آمادگی عام شمرده می‌شود.

آمادگی فکری، به معنای رشد شعور و افزایش آگاهی‌های عمومی برای درک مصالح عمومی و داوری درست درباره تصمیم‌های عام جامعه بشری است.

بی‌گمان تغییر نگرش‌های عمومی، پیش از هر چیز دیگر، به آمادگی فکری و روانی برای تأثیرپذیری و تصمیم‌سازی‌های نو نیاز دارد؛ زیرا بدون چنین آمادگی، زمینه اجرای هیچ برنامه سودمندی فراهم نخواهد آمد. از این رو، یکی از عناصر مهم آمادگی ظهور در سطح جهانی، مساعد بودن افکار عمومی برای طرح و پذیرش اندیشه حکومت واحد جهانی اسلام در عصر ظهور است.

البته تا زمانی که بشر طعم تلخ نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها را نچشد و به یأس و ناامیدی نرسد، این آمادگی پدید نخواهد آمد؛ یعنی تا زمانی که مردم جهان نظام‌های بشری را در حل بحران‌های کنونی موجود در زمینه خانواده، اخلاق، سیاست، فرهنگ و اقتصاد و... ناتوان و عاجز ببینند، ضرورت ظهور مصلح جهانی را درک نخواهند کرد.

از این رو، تغییر نگرش‌ها و روی کردهای عمومی، برای تحقق آمادگی بشر در سطح کلان ضروری است و درک عمومی مردم دنیا به اندازه‌ای باید بالا برود که هم‌گرایی و هم‌دردی را وظیفه‌ای انسانی و دینی بدانند. بنابراین، بشر تا آن هنگام که تنها راه نجاتش

را تحقق حکومت عدل مهدوی نداند، از این نعمت بزرگ، محروم خواهد ماند.

مردم برپایه اصل عقلی و منطقی «من انتظر أمراً تهبأ له» (هرکس منتظر چیزی است خود را برای آن باید آماده کند)، برای تغییر وضع موجود و تحقق فرج و گشایش در عصر ظهور باید آماده باشند.

مردم دنیا باید باور کنند که مسائلی مانند «نژاد» و یا «مناطق مختلف جغرافیایی» در زندگی بشر مهم نیستند، تفاوت رنگ‌ها، زبان‌ها و سرزمین‌ها، نمی‌تواند افراد بشر را از یک‌دیگر جدا سازند و تعصب‌های قومی و گروهی و اندیشه مسخره «نژاد برتر» به طور همیشگی باید از میان بروند؛ زیرا مرزهای ساختگی با سیم‌های خاردار و دیواری‌هایی هم‌چون دیوار باستانی چین نمی‌توانند انسان‌ها را از یک‌دیگر دور سازند. بنابراین آدمیان نیز مانند نور آفتاب، نسیم روح‌بخش و دیگر مواهب طبیعی، که بدون توجه به این مرزها همه کره زمین را فرا می‌گیرند، به مرحله‌ای از رشد فکری باید برسند که همه جهان را یک کشور بشمرند.<sup>۵۲</sup>

بشر در سیر متلاطم تاریخ، فرهنگ و تمدن خود، چقدر به مرز آمادگی نزدیک شده است؟ پاسخ گفتن دقیق به این پرسش، به مطالعه تاریخ گذشته و تحلیل فکر حاکم بر جامعه و افق‌های پیش روی آن، نیاز دارد. اما اگر با دقت به تغییرها و تحول‌های موجود در جهان، بنگریم، تحقق آرام این روی کرد را دست‌کم در میان آگاهان و روشن‌فکران جهان، می‌بینیم؛ یعنی بر شمار کسانی که درباره مسئله «جهان‌وطنی» می‌اندیشند، هر روز افزوده می‌شود و موضوع «جهانی‌شدن»، «جهان‌وطنی» و «جهان‌شمولی»، رفته رفته به فرهنگی جهانی بدل می‌گردد.

جامعه شیعه در وضع کمابیش مساعد کنونی می‌تواند با درک صحیح ضرورت‌ها و نقش آفرینی و مدیریت تأثیرگذار در افکار مردم جهان، این وضع را به فرصتی بدل کند و با تبیین جاذبه‌ها و ویژگی‌های اندیشه مهدویت و تعریف نظریه حکومت عدل جهانی اسلام، به تنها تئوری نجات‌بخش، زمینه فراگیر شدن این اندیشه الهی را در جهان، فراهم سازد.

### ب) آمادگی‌های خاص

این نوع از آمادگی، ویژه شیعیان، معتقدان و پیروان امام

عصر ع و زمینه‌سازان ظهور اوست.

آنان افزون بر بایسته‌های پیشین، به تقویت بنیان‌های اعتقادی و آمادگی دفاعی شیعیان در عصر انتظار، باید پردازند و در زمینه‌های زیر بکوشند:

#### ۱. نهادینه‌سازی فرهنگ مهدوی

احیای فرهنگ مهدوی در عصر انتظار، به معنای بدل کردن عقیده و باور به پدیده‌ای فرهنگی - اجتماعی است به گونه‌ای که آثار آن در همه عرصه‌ها و محیط‌ها، نمایان گردد. روشن است که نهادینه شدن این تفکر، کار دشواری است و به تمرین مستمر فرهنگی در سطح‌های گوناگون جامعه، نیاز دارد؛ زیرا اگر مسئله‌ای از دین و اعتقاد مردم سرچشمه بگیرد، اندیشه‌ساز و الگوداز خواهد بود. برتری منطق اسلام و اندیشه مهدویت بر دیگر مکتب‌ها و اندیشه‌ها، بر پایه‌ای فرهنگی استوار است؛ زیرا ماهیت اندیشه مهدویت، دینی - فرهنگی است و نفوذ و چیرگی اسلام در عصر ظهور نیز، نه غلبه‌ای قهری و نظامی که چیرگی فرهنگی - تمدنی است.<sup>۱</sup>

مفهوم فرهنگی و ارزشی انتظار، بیش از یازده قرن در فرهنگ تشیع وجود داشته و در ساختار اندیشه سیاسی و انقلابی، ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی و چگونگی نگرش آنان به آینده تأثیر گذارده است.

از این روی، آمادگی برای احیای فرهنگ مهدوی در جامعه، موجب انگیزش مردم به حرکتی اصلاح‌گرایانه در زندگی آنان خواهد شد و رفتار فرهنگی معینی در پی خواهد داشت.

#### ۲. تربیت یاوران

عوامل گوناگونی باعث غیبت امام ع و محروم ماندن مردم از نعمت حضور او شده‌اند. پایان یافتن دوران غیبت و تحقق ظهور امام زمان ع نیز، به رفع موانع و تحقق زمینه‌های آن مشروط است. یکی از این زمینه‌ها، وجود یاورانی است که همراه با امام، بار سنگین قیام را بر دوش می‌گیرند و تا پایان از همراهی و یاری رهبر خود دست برنمی‌دارند و او را تنها نمی‌گذارند. وجود این گروه فداکار و پیش‌آهنگان جان‌بازی و حامیان نهضت جهانی حضرت مهدی ع در جامعه از نخستین عناصر قیام او به شمار می‌رود. این ضرورت نیز، بر اصل طبیعی بودن قیام و پیروزی آن حضرت استوار است. چنان‌که برخی از روایت‌ها بدان اشاره کرده‌اند. سدید صیرفی می‌گوید:

همراه امام صادق ع بودم، با توجه به کثرت شیعیان و اطرافیان امام ع، از حضرت درباره علت عدم قیام ایشان علیه حکام جور وقت، پرسیدم. حضرت مرا به خارج مدینه برد تا آن‌که وقت نماز، در محلی پیاده شدیم. جوانی در آن محل مشغول چراندن گله بز بود. امام صادق ع به این گله بز نگاهی کرد و خطاب به من فرمود: ای سدید! به خدا قسم! اگر من به تعداد این بزها یار و یاور می‌داشتم، بر جای نمی‌نشستم (قیام می‌کردم). بعد از تمام شدن نماز، حیوانات آن گله را شمردم و یافتم که عدد آنها از هفده تجاوز نمی‌کند!<sup>۲</sup>

جامعه شیعه در وضع کمابیش مساعد کنونی می‌تواند با درک صحیح ضرورت‌ها و نقش آفرینی و مدیریت تأثیرگذار در افکار مردم جهان، این وضع را به فرصتی بدل کند و با تبیین جاذبه‌ها و ویژگی‌های اندیشه مهدویت و تعریف نظریه حکومت عدل جهانی اسلام، به تفهیم تنوری نجات‌بخش، زمینه فراگیر شدن این اندیشه الهی را در جهان، فراهم سازد.

بنابراین، جامعه در سطح کلان، از گنجایی لازم برای پذیرش دولت فراگیر و جهان شمول حق باید برخوردار باشد؛ یعنی همه مردم جامعه بشری به این درجه از معرفت باید برسند که حکومت‌ها و مکتب‌های ساخته بشر را در پاسخ‌گویی به نیازهای مردم و فراهم آوردن زمینه سعادت و عدالت، ناتوان ببینند. ظهور انقلاب جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه تنها با فراگیر شدن ویژگی عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی رخ خواهد داد.

یکی از مهم‌ترین علل تأخیر در رسیدن فرج و ظهور، نبود یاران و یاوران کافی در میان شیعیان آن حضرت است و برای تربیت چنین افراد، چاره‌ای جز آماده شدن و امر به معروف و نهی از منکر به منظور برپایی حکومت حق بر روی زمین و رسیدن فرج با ظهور امام عجل الله تعالی فرجه نیست؛ زیرا انقلابی که به رهبری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه برپا خواهد شد، جهانی و همگانی است و پس از آن مستضعفان و محرومان، سرپرستی جامعه بشری را برعهده خواهند داشت:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۵۶</sup>

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۵۷</sup>

زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

﴿وَنُؤَمِّنُكُمْ فِي الْأَرْضِ﴾<sup>۵۸</sup>

و در زمین، قدرتشان می‌دهیم.

مؤمنان و مستضعفان در این مرحله از تاریخ، همه قدرت و ثروت طاغوت‌ها را به ارث خواهند برد و بر پهنه زمین سلطه خواهند یافت. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه زمین را از لوٹ جور و ظلم پاک می‌کند و عدل و داد را در جای آنها می‌نشانند. «یملأ الأرض عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً» و جایی در شرق و غرب جهان نمی‌ماند که در آن ندای «لا إله إلا الله» پراکنده نگردد.<sup>۵۹</sup> روشن است که چنین انقلاب و اصلاح فراگیر، در مرحله نخست، به حمایت مؤثر آن فداکاران و یاوران نیاز دارد.

### ۳. آمادگی دفاعی و رزمی

جامعه منتظر که خود را پرچم‌دار ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در جهان می‌داند، ناگزیر به توانایی رزمی و قدرت بازدارندگی در عصر انتظار باید دست یابد؛ زیرا بی‌گمان با انواع سلاح‌های جنگی با هدف براندازی در برابر آن خواهند ایستاد و شیعیان ناچار به نبرد با آنان باید بپردازند. برخی از آیات جهاد مانند «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»،<sup>۶۰</sup> به همین جنگ اشاره می‌کنند. آن حضرت در این رویارویی، با شمشیر و جنگ نظامی بر دشمنان عنود خود پیروز خواهد شد «و انه ينصر بالسيف».<sup>۶۱</sup> مفضل بن عمر می‌گوید:

... قد ذكر القائم عجل الله تعالی فرجه فقلت: إني لأرجو أن يكون أمره في

سهولة فقال لا يكون ذلك حتى تمسحوا العلق و العرق؛<sup>۶۲</sup>

... خدمت امام صادق عجل الله تعالی فرجه بودم سخن از حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه

به میان آمد. من به حضور امام صادق عجل الله تعالی فرجه عرض کردم:

امیدوارم کار حضرت قائم به آسانی به نتیجه برسد!

حضرت در پاسخ من فرمود: چنین نخواهد شد مگر

این‌که شما و طرف‌دارانش در عرق و خون خود، غرق

شوید!

بشیر نبال به امام باقر عجل الله تعالی فرجه گزارش می‌دهد که مردم می‌گویند

هروقت مهدی عجل الله تعالی فرجه قیام کند همه چیز خودبه‌خود درست می‌شود

و به اندازه حجامتی، از کسی خون نمی‌ریزد! امام این سخن را

نادرست می‌خواند و می‌فرماید:

كلاً و الذي نفسي بيده لو استقامت لأحد عفواً لاستقامت

لرسول الله صلى الله عليه وآله حين أدميت رباعيته و شج في وجهه، كلاً و

الذي نفسي بيده حتى نمسح نحن و أنتم العرق و العلق؛<sup>۶۳</sup>

سوگند به آن خدای که جانم در دست اوست! اگر

اصلاح امور بدون خون‌ریزی و مشکلات ممکن بود،

چنین چیزی برای پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله عملی می‌گردید

هنگامی که دندان‌ش شکست و صورتش مجروح گردید.

به خدا قسم که هرگز این موفقیت حاصل نشود مگر

این‌که ما و شما (یعنی شیعیان و پیروان مهدی) در عرق

و خون خود، غرق شویم!

این دسته از روایت‌ها، سختی بیکار پیروان و یاران حضرت مهدی علیه السلام را در هنگام ظهور نشان می‌دهند و بر لزوم و اهمیت آمادگی دفاعی و نظامی آنان تأکید می‌کنند. امام صادق علیه السلام درباره حداقل آمادگی چنین می‌فرماید:

لِيَعِدَنَّ أَحَدَكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ عليه السلام، وَ لَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَيْتِهِ رَجُوتَ لِأَنَّ بِنْسِيءٍ فِي عَمْرِهِ حَتَّى يَدْرِكَهُ وَ يَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ؛<sup>۴۰</sup>  
 باید هر کدام از شما در عصر غیبت خود را برای قیام قائم آماده نمایید حتی با تهیه و تجهیز یک تیر، چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت نصرت و یاری مهدی علیه السلام اسلحه تهیه کرده است، شاید توفیق درک ظهور او را به او بدهد و او را از یاوران مهدی علیه السلام قرار دهد.

تکلیف آمادگی، ویژه زمان و اوضاع خاصی نیست، بلکه سراسر دوران انتظار را دربر می‌گیرد.

براساس این روایات، جامعه منتظر، همواره به آمادگی نظامی و دفاعی، و تهیه ابزار جنگ و قدرت، فراخوانده شده است. چه این که، صریح برخی از آیات قرآن نیز بر ضرورت آمادگی دفاعی به اندازه بالاترین توان و استطاعت، تأکید کرده‌اند:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾؛<sup>۴۱</sup>

تا می‌توانید خود را با ابزار قدرت، توانمند و تجهیز نمایید.

تأکید این آیه شریفه تنها به ضرورت آمادگی و تقویت توان دفاعی و بازدارندگی اشاره نمی‌کند، بلکه اطلاق دارد و وضع تهاجمی را نیز دربر می‌گیرد و معنای «ترهبون به عدو الله و عدوكم» این است که توانایی و قدرت دفاعی، به طور طبیعی دشمن را از تهدید کردن باز می‌دارد.

تأکید بر ضرورت آمادگی همیشگی از پایین‌ترین (ولو سهماً) تا بالاترین حد آن (من قوّة)، حد آن، نشان می‌دهد که کارهای جهان خودبه‌خود درست نمی‌شوند و مشکلات و دشواری‌های پیش روی بشر، بدون هیچ رنج، تلاش، جهاد و حرکتی، حل نمی‌گردند، بلکه رسیدن به هدف‌های عالی، به جهاد و تلاش پیوسته نیاز دارد. شیعیان و منتظران امام مهدی علیه السلام، پیش‌روان دفاع و پاس‌داری از آرمان ظهور و مبشران ظهور منجی، موظفند برای به دست آوردن توان دفاعی و امکانات نظامی و تسلیحاتی لازم، به منظور رویارویی با خطرهای آینده و یاری‌رسانی آن حضرت بکوشند و به آنها بی‌اعتنایی یا کم‌توجهی نکنند! بنابراین شیعیان با توجه به تأکید آیات و روایات و فرمان عقل و خرد، به تقویت استعداد، آمادگی دفاعی و تربیت مهدی‌یاوران مؤمن باید بپردازند تا زمینه‌های ورود به عصر ظهور فراهم آید.

#### ۴. آمادگی‌های فن‌آورانه و ارتباطی

پیش‌رفت فن‌آوری‌های رو به رشد در زندگی بشر، تأثیر فراوانی در ایجاد ارتباطات جهانی

مفهوم فرهنگی و ارزشی  
 انتظار، بیش از یازده  
 قرن در فرهنگ تشیع  
 وجود داشته و در  
 ساختار اندیشه سیاسی  
 و انقلابی، ساختار ذهنی،  
 اسلوب اندیشه، شیوه  
 زندگی و چگونگی نگرش  
 آنان به آینده تأثیر  
 گذارده است.  
 از این روی، آمادگی  
 برای احیای فرهنگ  
 مهدوی در جامعه، موجب  
 انگیزش مردم به حرکتی  
 اصلاح‌گرایانه در زندگی  
 آنان خواهد شد و رفتار  
 فرهنگی معینی در پی  
 خواهد داشت.

و یک پارچگی کشورها داشته است. چه این که نقش بی‌بدیل هم‌چنین تأثیر ابزار، فنون و دست‌آوردهای علمی را در مدیریت پیچیده امروز و فردای بشر، هرگز نادیده نمی‌توان انگاشت.

ممکن است برخی از افراد بپندارند که رسیدن به مرحله کمال اجتماعی و جهان‌آکنده از صلح و عدالت، تنها با نابودی فن‌آوری‌های نو امکان‌پذیر است.<sup>۶۶</sup> شاید این پندار تلقی از نگرش سطحی به روایت‌هایی درباره قیام آن حضرت با شمشیر سرچشمه گرفته باشد. اما باید دانست که این عنوان‌های نمادین با توجه به دیگر قرینه‌ها و روایت‌های موجود، نشان‌دهنده استفاده حضرت از وسایل سریع‌السیر فضایی و... است.

از این‌رو، پیش‌رفت‌های روزافزون علم و فن‌آوری بشر، نه تنها مانع یا مزاحم شکل‌گیری حکومت عدل جهانی نیست، که بدون آنها، شاید دستیابی به هدف‌های ظهور ناممکن باشد؛ زیرا برای ایجاد، مدیریت و کنترل نظامی فراگیر و گسترده، فن‌آوری‌های پیش‌رفته و وسایل و دست‌آوردهای فرامردن علم و صنعت، لازم و ضروری است.

مضافاً بر این که عصر آخرالزمان، عصر حاکمیت علم و آگاهی بر جهان است و جامعه برخوردار از پیش‌رفت علم و صنعت، با بهره‌گیری از ابزارهای پیچیده ارتباطی به تعامل اجتماعی می‌پردازد. اما جرم، جنایت و فساد، نیز به آسانی در آن صورت می‌پذیرد. مدیریت این جامعه دشوار و به ابزارهای پیش‌رفته نیازمند است. از این‌رو، انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام نیز با اعجاز یا به کارگیری نیروهای قهری و آسمانی روی نمی‌دهد، بلکه به گونه‌ای طبیعی و با بهره‌گیری از ابزارهای موجود جهان را فرا می‌گیرد.

## زمینه‌سازی

انقلاب امام مهدی علیه السلام با هدف گستراندن «توحید» و «عدالت» در جهان دگرگونی‌های فراگیری در آن پدید می‌آورد. اگر زمینه‌ها، امکانات و بسترهای کمی و کیفی این انقلاب بزرگ فراهم نیابند، چنین دگرگونی فراگیر نیز تحقق نمی‌یابد. معنای «زمینه‌سازی» تنها ادای تکلیف‌ها و وظیفه‌های شرعی نیست، بلکه مقصود از آن آماده‌سازی مجموعه گزاره‌ها، اندیشه‌ها، طرح‌ها، کارکردها دستورالعمل‌ها، روی‌کردها، و دیگر عوامل مؤثر

در تعجیل ظهور است.

برخی از بایسته‌ها و وظیفه‌های منتظران بویژه آمادگی فردی و اجتماعی آنان، در بخش نخست بررسی شد. این نوشتار به موضوع «زمینه‌سازی» و تأثیر آن در پدیده ظهور می‌پردازد.

## ضرورت زمینه‌سازی

یکی از وظایف مهم، زمینه‌سازی و تمهید مقدمات ظهور است. به همین جهت، در برخی از روایت‌ها پیروان و منتظران ظهور امام عصر علیه السلام را «زمینه‌سازان ظهور» خوانده‌اند و بی‌گمان این گروه مؤثر در فراهم‌سازی مقدمات ظهور و تحقق حکومت عدل جهانی مهدوی، از جایگاه بسیار ارجمندی برخوردار خواهند بود.

آن‌چه در عصر انتظار و دوره غیبت امام عصر علیه السلام ضرورت دارد و در فهرست کارهای جامعه منتظر باید قرار گیرد، عمل به بایسته‌های اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی اندیشه انتظار و فراهم‌سازی زمینه‌های ظهور امام عصر علیه السلام است؛ یعنی مسئله زمینه‌سازی و تلاش برای رفع موانع ظهور، در معنا و ماهیت انتظار، نهفته است و این واژه، حضور مردم را در صحنه و تلاش عملی آنان را برای تغییر وضع موجود و تحقق آن دگرگونی بزرگ دربر دارد. قوت و شدت این انتظار نیز، به اندازه دست‌مایه‌های موجود برای تحقق ظهور امام وابسته است.

بنابراین، انتظار ظهور واقعی و زمینه‌سازی و تلاش برای اجرایی شدن هدف‌های بزرگ دینی و فراهم آمدن مقدمات حکومت مهدوی، در هم تنیده‌اند به گونه‌ای که سخن گفتن از انتظار و آرزوی رسیدن به آرمان ظهور، بدون توجه به زمینه‌سازی برای تحقق آن، نامفهوم است.

## رابطه زمینه‌سازی و ظهور

پیوند ناگسستنی «زمینه‌سازی» و «ظهور»، بر پایه تحلیلی فلسفی - کلامی درباره ساختار فکری و عملی انسان و حوزه تأثیرگذاری درونی و پیرامونی عنصر «اراده» و «اختیار» او در شکل‌گیری حیات انسانی، استوار است.

این تحلیل با پیش‌فرض اختیار و آزادی عمل انسان در انتخاب راه و عمل کرد خویش و سهم وی در تغییر سرنوشت خود، نشان می‌دهد که گستردگی حوزه تأثیرگذاری و نفوذ آدمی در این عالم

و روی کرد مثبت اراده و خواست جمعی بشر، در تحقق پدیده ظهور، بسیار تأثیر می‌گذارد. روشن است که هر انسانی به طور فطری، وجود آزادی را در خود حس می‌کند؛ زیرا خداوند حکیم بر پایه سنت الهی، او را آمیزه‌ای از تعقل، آگاهی، اراده و اختیار قرار داده و تعیین مسیر زندگی و ایجاد تغییر را در آن نیز به وی واگذار کرده است.

از این رو، ضروری است که در بحث زمینه‌سازی ظهور و عوامل مؤثر در تأخیر یا تعجیل در تحقق آن، به حرکت اختیاری انسان‌ها و نوع تعامل آنان با این موضوع، توجه شود.

ارتباط دو سویه زمینه‌سازی و ظهور همانند تعامل موجود در میان پدیده‌هایی است که رابطه‌ای سیستمی و ترتیبی با یک‌دیگر دارند؛ یعنی سرعت بخشیدن یا تأخیر انداختن در رخداد ظهور نیز مانند پدیده‌های بهبودی بیماری، اجرای طرح‌های عمرانی، علمی و تجاری، پیروزی بر دشمن و رهایی از فقر، به میزان نقش‌آفرینی خود انسان وابسته است و دستیابی جامعه بشری به عدالت و بهره‌مندی آن از مواهب حکومت عدل‌پرور مهدوی، تنها با پیروی از قواعد حاکم بر نظام زندگی امکان‌پذیر خواهد بود.

### زمینه‌سازان ظهور در روایات

گفته شد که برخی از روایات به وضع و رخداد‌های آخرالزمان و قیام‌ها و حرکت‌های اصلاحی شیعیان اشاره کرده‌اند و پاره‌ای از آنان را «زمینه‌سازان ظهور» خوانده‌اند.

بی‌گمان زمینه‌سازی و کوشش مؤثر برای ایجاد مقدمات ظهور، با توجه به اوضاع نامساعد کنونی، در سطحی سراسری و جهانی امکان‌پذیر نیست. بلکه این کار، برآیند مجموعه‌ای از تلاش‌های خاص است که به دلیل رشد روزافزون درک عمومی، با طرح اندیشه ظهور منجی و تشکیل حکومت عدل جهانی، به پدیده‌ای فراگیر و خواسته‌ای مشترک و همگانی بدل می‌شود و افکار عمومی نیز، با آن همراهی خواهند کرد. آن‌گاه زمینه ظهور و تحقق هدف‌های بزرگ آن حضرت فراهم خواهد شد.

درباره چیستی و کجایی گروه پیش‌گامان زمینه‌ساز انقلاب مهدوی، دو دسته روایت وجود دارد:

۱. روایت‌هایی که به قیام‌ها و حرکت‌های اصلاحی در آخرالزمان یا در آستانه ظهور اشاره می‌کند؛

این روایت‌ها از خیزش مصلحانه یمنی‌ها به رهبری شخصی مصلح با نام «یمانی» و قیام حق‌طلبانه اهل خراسان (ایران) به رهبری یکی از سادات معروف به «خراسانی»، یاد کرده و رهبران آنها را ستوده‌اند. این دو قیام با دعوی حق‌طلبی و دعوت مردم به سوی حضرت مهدی عج، به انگیزه زدودن موانع ظهور آن حضرت، صورت می‌پذیرند.

امامان علیهم‌السلام با به کار بردن عبارتهایی مانند: «لیس فی الرایات اهدی من رایة الیمانی»، «هی رایة هدی»، «یدعوا الی الحق و الی طریق مستقیم»،<sup>۶۷</sup> «فان رایته رایة الحق» و «لآتسه یدعوا الی صاحبکم»،<sup>۶۸</sup> در این باره و مطلق آوردن کلمه‌های «هدی» و «آهدی» در آنها و نیز سخنانی که در تعلیل انگیزه‌های قیام یمانی گفته‌اند، بر مشروعیت کامل این

ممکن است برخی از افراد بپندارند که رسیدن به مرحله کمال اجتماعی و جهان‌آکنده از صلح و عدالت، تنها با نابودی فن‌آوری‌های نو امکان‌پذیر است. "شاید این پندار تلقی از نگرش سطحی به روایت‌هایی درباره قیام آن حضرت با شمشیر سرچشمه گرفته باشد. اما باید دانست که این عنوان‌های نمادین با توجه به دیگر قرینه‌ها و روایت‌های موجود، نشان دهنده استفاده حضرت از وسایل سریع‌السیر فضایی و... است.

قیامها تأکید کرده‌اند.

گفتنی است این دو قیام و نهضت زمینه‌ساز، در آستانه ظهور و هم‌زمان با خروج سفیانی در جبهه کفر، رخ خواهند داد. ابوبصیر در این باره از امام باقر علیه السلام چنین نقل می‌کند:

خروج السفیانی و الیمانی و الخراسانی فی سنت واحده، فی شهر واحد، فی یوم واحد، نظام کنظام الخرز یتبع بعضه بعضاً؛<sup>۶۹</sup> خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک‌سال و یک‌ماه و یک‌روز خواهد بود مانند گردن‌بندی که دانه‌های آن منظم و یکی از پی دیگری است.

امام صادق علیه السلام نیز درباره هم‌زمانی و رقابت یمانی با سفیانی می‌فرماید:

الیمانی و السفیانی کفرسی رهان؛<sup>۷۰</sup> یمانی و سفیانی [هنگام خروج] مانند دو اسب که مسابقه می‌دهند، هر یک سعی می‌کنند بر دیگری سبقت جویند.

... حتی یخرج علیهم الخراسانی و السفیانی هذا من المشرق و هذا من المغرب یسبقان الی الکوفه کفرسی رهان؛<sup>۷۱</sup> تا آن‌گاه که خراسانی و سفیانی یکی از مشرق و دیگری از مغرب مانند اسبانی که مسابقه می‌دهند، یکی از این طرف و دیگری از آن طرف سعی می‌کنند زودتر وارد کوفه شوند.

۲. روایت‌هایی که از تحقق قیام و انقلابی در آخر الزمان خبر می‌دهند؛

این قیامها برپایی حکومت عدل جهانی امام مهدی علیه السلام را به دنبال خواهند داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره این نهضت زمینه‌ساز می‌فرماید:

یخرج ناس من المشرق<sup>۷۲</sup> فیوطون یمهدون) للمهدی علیه السلام سلطانة؛<sup>۷۳</sup>

مردمی از مشرق‌زمین، در آینده به قیام و انقلابی برخوانند خواست و مقدمات حکومت و ظهور مهدی علیه السلام را فراهم خواهند نمود.

این حدیث شریف نبوی که در منابع روایی شیعه و سنی آمده، این توفیق و افتخار بزرگ را از دست‌آوردهای انسان‌های پاک‌سرشت در

مشرق‌زمین، خوانده است و افزون بر یادآوری رسالت بزرگ آنان در آینده و شرکت عاشقان و شیفتگان آن حضرت را در این پیکار بزرگ و سرنوشت‌ساز بشارت می‌دهد.

کلمه «مشرق» در این روایت عام است و روایت‌های دسته نخست به شهر یا منطقه جغرافیایی خاصی از مشرق مانند «خراسان» (شهرهای ایران، افغانستان و قسمت‌هایی از شرق میانه در گذشته) اشاره می‌کنند. اما به هر روی این روایت‌ها درباره حرکت‌های نیرومند شیعیان در آخرالزمان از مناطق شرقی با هدف تشکیل جبهه حق، زمینه‌سازی مقدمات ظهور، ستیز با قدرت‌های باطل، برپا ساختن حکومت عدل مهدوی در جهان و تحقق بخشیدن به الگوهای آن در جامعه سخن می‌گویند. درخشش جهانی شیعه و ظهور مصلح جهانی، از آثار این حرکت مبارک و انقلابی، تأثیرگذار و تحول‌آفرینند. این روایت بر پایه برخی از شواهد روایی و دیگر قرینه‌ها بر انقلاب زمینه‌ساز و اسلامی شیعیان ایران به رهبری امام خمینی، تطبیق شده است. اما در این باره به طور قطعی نمی‌توان داوری کرد.

بنابراین، بدون توجه به مصداق‌های این حدیث به دو نکته زیر باید توجه کرد:

۱. قیام‌های حق طلبانه و آخرالزمانی مشرقیانی مانند یمانی، خراسانی، شعیب بن صالح و... در تأثیرگذاری مثبت در زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام مشترکند. و لذا امامان با عبارت «یوطی للمهدی سلطانة»،<sup>۷۴</sup> رهبران آنها را ستوده‌اند.

۲. حرکت‌های انقلابی و زمینه‌ساز مردمان مشرق‌زمین به دلیل گستره زمانی، زیرساخت‌ها و تأثیرهای پیرامونی و جهانی آنها با دیگر قیام‌های مقطعی و ناگهانی تحقق‌یابنده در آستانه ظهور متفاوتند. شاید این قیام‌های واکنشی، خودجوش و دفعی در آن مقطع خاص آستانه ظهور، در برابر بی‌دادگری‌های جبهه سفیانی شکل بگیرد. اما قیام زمینه‌ساز برای حکومت جهانی مهدوی، به انگیزه هدایت‌گری و جریان‌سازی صورت می‌پذیرد و در روندی درازمدت و نظام‌مند، در عرصه‌های گوناگون فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، در سطح جهانی و بین‌المللی، تأثیر می‌گذارد. چنین نهضت به حرکت فراگیر، اصیل و نهادینه شده‌ای نیاز دارد تا در فرآیندی ویژه، رویکرد عدالت‌خواهی و حق‌گرایی را در سطح فرامنطقه‌ای و جهانی، نمایان سازد. این ویژگی در قیام‌های دفعی یمانی، خراسانی و... دیده نمی‌شود.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

- \* سطح چهار حوزه، مدرس مرکز جهانی.
- ۱. موضوع فرآیندپذیری رخداد ظهور و تأثیر عامل انسانی در پیش افکندن آن، در شماره پیشین تحت عنوان «نقش مردم در تعجیل ظهور» بررسی شد.
- ۲. کفایة الاثر، ص ۲۹۶.
- ۳. مسند احمد، ج ۴، ص ۹۶؛ علل السدار قطنی، ج ۷، ص ۶۳ مجمع الزوائد؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۰۳؛ همان، ج ۶، ص ۶۵ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۳؛ شرح احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۸۵.
- ۴. تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۵۳۰.
- ۵. الاسناد، ص ۳۵۱.
- ۶. الامامة و التبصرة، ص ۱۰.
- ۷. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۲.
- ۸. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۷۸.



۹. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ص ۳۴۳.
۱۰. غایة المراد، ج ۳، ص ۲۲.
۱۱. همان، ص ۲۳۸.
۱۲. نک: آية الله ابراهيم اميني، بررسی مسائل کلی امامت؛ آية الله مصباح يزدي، راه و راه‌نماتناسی.
۱۳. کفایة الاثر، ص ۲۶۳؛ بحار الأنوار، ج ۴، ص ۵۵ و ج ۳۶، ص ۴۰۷.
۱۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۱؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.
۱۵. مفتاح الجنان، دعای عدیله.
۱۶. نعمانی، الغیبة، ص ۱۷۰؛ المصباح المتجهد، ص ۴۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۷ و ج ۵۳، ص ۱۸۷.
۱۷. شرح احقاق الحق وازحاق الباطل، ج ۱۱، ص ۵۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹ و ج ۵، ص ۳۱۲ و ج ۲۳، ص ۸۳-۹۳.
۱۸. المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۷۸ و ج ۲۷، ص ۱۲۷.
۱۹. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ص ۳۳۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶.
۲۰. مفتاح الجنان، دعای عهد.
۲۱. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۱۷۸.
۲۲. حقیقة الاعتقاد بالامام المهدي المنتظر، فصل هشتم، ص ۱۷۵.
۲۳. همان.
۲۴. سوره آل عمران، آیه ۳۱.
۲۵. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.
۲۶. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹.
۲۷. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۲.
۲۸. کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۳، ص ۳۳۴؛ الزام الناصب فی اثبات الحججة الغائب، ج ۱، ص ۲۰۲؛ حياة الامام المهدي، ص ۱۰۵.
۲۹. مفتاح الجنان، دعای افتتاح.
۳۰. عدة الداعي و نجاح الساعي، ص ۱۳.
۳۱. سوره غافر، آیه ۶۰.
۳۲. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۱۰۵.
۳۳. همان، ج ۲، ص ۱۰۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۴.
۳۴. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۱۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۴.
۳۵. زندگانی خاتم‌الوصیاء امام مهدي، ص ۳۲.
۳۶. فصل‌نامه انتظار، ش ۸، ص ۱۹۶.
۳۷. تشیع و انتظار، ص ۱۷۱-۱۷۲.
۳۸. انتظار، بایدها و نیایدها، ص ۱۱۷.
۳۹. کمال‌الدین، ج ۱، روایت دوم؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹.
۴۰. در بعضی از نقل‌ها «و هو یأتم به» دارد.
۴۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۰۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶؛ معجم الاحادیث الامام المهدي، ج ۳، ص ۲۱۷.
۴۲. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگره‌بانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید.» (سوره آل عمران، آیه ۲۰۰)
۴۳. نعمانی، الغیبة، ص ۳۴ و ص ۲۰۶؛ معجم احادیث الامام المهدي، ج ۵، ص ۶۶
۴۴. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.
۴۵. مفتاح الجنان، دعای امام زمان علیه السلام
۴۶. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱.
۴۷. همان، ص ۱۱۰؛ میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۸۳.
۴۸. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۳۳۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳.
۴۹. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۳۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۵، ص ۲۲۰.
۵۰. نعمانی، الغیبة، ص ۲۱۷.
۵۱. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۳۳۶.
۵۲. سوره عنکبوت، آیه ۲.
۵۳. حکومت جهانی مهدي علیه السلام، ص ۸۱
- نک: فصل‌نامه علمی تخصصی انتظار، ش ۱۶، ص ۱۷۹.
۵۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۰.
۵۶. سوره قصص، آیه ۵.
۵۷. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.
۵۸. سوره قصص، آیه ۶.
۵۹. انتظار پویا، ص ۲۷.
۶۰. سوره بقره، آیه ۱۹۳؛ سوره انفال، آیه ۳۹.
۶۱. اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۲، ص ۲۳۳.
۶۲. نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۳.
۶۳. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۷۰.
۶۴. نعمانی، الغیبة، ص ۳۳۵.
۶۵. سوره انفال، آیه ۶۰.
۶۶. نک: حکومت جهانی حضرت مهدي علیه السلام، ص ۸۴
۶۷. نعمانی، الغیبة، ص ۲۶۴؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۵؛ مستدرک سفینة البحار، ج ۱، ص ۶۰۳
۶۸. اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۴؛ کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.
۶۹. نعمانی، الغیبة، ص ۲۶۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.
۷۰. نعمانی، الغیبة، ص ۲۶۴؛ شیخ طوسی، امالی، ص ۶۶۱
۷۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵.
۷۲. در برخی نقل‌ها به جای «ناس»، کلمه «قوم»، ذکر شده است. (نک: مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۸؛ معجم الوسیط، ج ۱، ص ۹۴؛ شرح احقاق الحق، ج ۲، ص ۴۵۷)
۷۳. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۳؛ میزان الحکمة، ج ۱، ص ۳۵۴؛ عصر ظهور، ص ۲۱۹.
۷۴. نک: ابن طاووس، الملاحم، ص ۱۱۸؛ معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج ۱، ص ۳۹۷.